

والله وردیخان حدود هفتاد سال پیش زرتشتی بودند که اینک اسلام آورده اند. چنانکه در بخش کشتار آوردیم ساکنان روستای مال سید آل معروف بقتلگاده در جنوب برای جان و چند روستای آن حدود زرتشتی بوده اند که در زمان ناصرالدین شاه قاجار با کشتار و قتل و تهدید اسلام پذیرفته اند. بگفته گشتا سب خسرو گشتا سب در هر موده بیست فرسخی بندر عباس بتعدادی سیاه چادر بر خورده که زرتشتی بوده و خود را نهان میداشته اند چون از زرتشتی بودن آواگام میشوند شاهزادگرددید در پذیرائیش میکوشند. در بخشهای فارس مردم زرقان نزدیک تخت جمشید و بوانات در ۲۵ سال پیش زرتشتی بوده اند. زرتشتیان بوانا به یزدمها جرت میکنند. زرتشتیان گن در دامنه البرز که اینک بتهران وصل شده در ۲۵ سال پیش به یزدمها جرت مینمایند و بعضی نیز اسلام میآورند آنچه در بالا نوشته شد طبق مدارکی است که بدست آمده و بطن قوی در نقاط دیگر نیز زرتشتیان وجود داشته اند که بواسطه عدم تماس و بیگانگی بتدریج در اسلام مستحیل گشته اند.

در شمال افغانستان عروس و داماد را مانند زرتشتیان ایران، پس از آنکه سه بار دور آتش فروزان میگردانند. بچله میفرستند. اما در جنوب افغانستان عروس بمجرد ورود بخانه شوهر نخست میرود پیش آتش خانه یا جاق خانه و کرنش میکند. اهالی افغانستان عموماً در نیمه ماه شعبان که شب برات مشهور است بیا در گذشتگان همانند زرتشتیان که در شب آخر پنجه و ه پیش از برآمدن آفتاب بیا در گذشتگان پشت بام آتش میافروزند آتش افروزی بزرگ در منطقه خود دارند.

\* \* \* \* \*

سوگند بچراغ و آتش در همه نقاط ایران بخصوص بین کوچیها (عشایر) معمول است. مردم فرمانداری بنا در بسوز چراغ سلیمان سوگند یاد میکنند. بین مردم روستا خراسان مثالی است که هر وقت بی پول میشوی یا راه گم میکنی یا گرسنه میشوی بنشین و آتش روشن کن و دعا بنما. این مثال باقی مانده عادت رفتن بآتشکده برای راز و نیاز با اهورا مزدا و درخواست رفع مشکلات میباشد. پس از غروب بآتش ازا جاق خانه بخانه دیگر ممنوع است و آن را نامیمون میدانند. پیشه وری بین ایلات ننگین است و آن مخصوص طبقه پست آنهاست. کارهای آهنگری، نجاری، سلمانی و نوازندگی را امور پست میدانند. سه طبقه دیگر بین ایلات عبارتست از کلانتران، کدخدایان و رعایا، این طبقات با طبقه پست با هم ازدواج و اختلاط ندارند. زنهای ایلات قشقای بسیار متنفذ و در کارهای ایلی دخالت مینمایند. روضه خوانها، تعزیه گردانها و آخوندها در میان ایلات موفقیت ندارند.

در شصت سال پیش یالای منار مسجد جامع شوش شب جمعه آتش میافروختند که مردم دهات اطراف بدانند که روز بعد روز جمعه است.

\* \* \* \* \*

در قحطی که در سال ۱۲۸۸ هـ در ایران اتفاق افتاد قریب ده هزار تومان وجه از پارسیان و زرتشتیان ایرانی ساکن هند توسط سفارت انگلیس بزرگشتمانیان ایران رسا سیدند که از آن قحطی نصف خلق ایران نابود و هلاک شدند. گروه زرتشتیان چندان صدمه و تنگی نگشیدند.

\* \* \* \* \*

اعتماد السلطنه صاحب مرآت البلدان مینویسد که در نزدیکی آمل بنا نیست مخروبه که سه پیرج آن باقیمانده معروفست آتشکده بوده است.

\* \* \* \* \*

پدشخوارگریا غارنکوه را مورخان اسلامی و تبرستانی جبال ابن قارن و فرمانروایان آن را ملوک الجبال نامیده اند. کتاب حدود العالم مولف ۳۷۲ هـ در این مورد گوید "کوه قارن ناحیتی است که مراوراده هزار و چیزی دیده است و مردمان وی همه گبرگانند."

\* \* \* \* \*

فیروزکوه یکی از بخشها کوهستانی تبرستان قدیمی است. خرابی و مصایب بسیار بگفته صاحب تاریخ تبرستان پس از اسلام "در طی کشمکشهای متوالی برفیروزکوه و مردمش وارد آمده است. چنانکه بسال ۵۶۴ هـ مدت چهل روز میدان جنگ علاءالدوله با اسپهبد حسن یکم بنا و ندو غیره بود. بسال ۵۹۴ هـ بدست سلطان تکش افثادود در ۶۱۹ هـ رکن الدوله پسرش بدست سپاهیان چنگیزی اسیر و با همه بستگان کشته شد. و در ۷۶۶ هـ بتصرف میرقوام الدین مرعی آملی آمد و با زمانده گنجینه پادشاهان ساسانی و باوندی بتاراج رفت. در سال ۷۹۴ هـ اسکندر شیخی چلاوی بفرمان امیر تیمور فیروزکوه را با کشتار بیشمار بگشود. در سال ۸۰۷ هـ امیر تیمور بسرکوبی اسکندر شیخی بفیروزکوه آمد و آنجا را با قتل و غارت بی پایان بدست گرفت. بسال ۹۰۹ هـ شاه اسمعیل یکم صفوی با وضعی دلخراش فیروزکوه را مسخر کرد و همه متوطنان و ساکنان آنجا را که طرفدار پادشاه سابق بودند بکشت و برهیج کس ابقا نکرد. از آنچه گذشت میتوان استنباط نمود که این شهر که ساکنین آن بواسطه موقعیت کوهستانی زرتشتی بوده اند چگونه راه نیستی را پیموده اند.

\* \* \* \* \*

بسیاری از سنتها و آداب زرتشتیان بین کوچیها یا عشایر فارس باقیمانده است چنانکه در اوستا بندها زندگان فرزندان بسیار بویژه پسر درود میفرستد، بین کوچیها نیز داشتن پسر بسیار مهم است که اجاق خانوادگی را نگهداری کند. حفظ اجاق خانوادگی و لزوم وارث برای پیکار بر ضد دروغ در آیین مزدیستا اهمیت بسزائی دارد چنانکه اگر شخص در گذشته بی اولاد باشد با مداد چهارم مرگ او پسری را بفرزند خواندگی او از میان خویشان انتخاب و پلگذازمینما یند. در میان کوچیها خانواده ها شیکه یک پسر دارند او را زود دادا مدمینما یند

\* از تاریخ پیرج

که مبادا دنیا را بزودی بدو دگود و فرزندی از او برای نگهداری اجاق باقی نماند. افراد کوچیها با جاق یا آتش خانه و خانواده عقیده راسخی دارند و در خاموش نشدن و روشن بودنش میکوشند و آنرا منبع آثا روصاحب قدرت میپندارند. برخی از خانوادهها صاحب اجاق پرفروغ و قوی میباشند. خیانت و بدسلوکی نسبت بچنین خانوادهها خطرناک می شمارند. سالیانی درازی در پیش چوپانی اربابش را ترک و بدون جلب رضای اوبجای دیگر بچوپانی مشغول میشود. پس از چندی فرزندش بیمار شده میمیرد. چوپان مرگ فرزند را علامت خشم اجاق خانواده ارباب سابق پنداشته، گریه کنان و پیوزش خواهان نزد ارباب قدیمی میشتابد و چندین مرتبه اجاق او را بوسه میدهد و کرنش میکند و تقاضا مینماید که دیگر مورد خشم آن واقع نشود و فرزندان دیگرش را بخطر دچار نکند. قسم با جاقها و کانونی که در آن آتش فروخته باشد معمول است و این قسمها باقتضای ایمانی که بآن دارند، میتواندمدعی یا منکر را قانع نماید. اجاق مردی را که فرزند نداشته باشد کوری یعنی خاموش میدانند و بحال او تا سف میخورند. فقط پسراست که میتوانند اجاق پدر را روشن نگاهدارد. مردی را که پسر نداشته باشد بفرض داشتن چندین دختر بدبخت و سیه روزگار میدانند. در عروسیها هنگامیکه عروس میخواهد خانه پدر را ترک نماید، سجده کنان سه مرتبه اجاق خانوادگی را میبوسد و پیرامون آن طواف میکند. اجاق یا آتش خانه همان آتش دادگاه است که یکی از سه آتشکدههای زرتشتیان بدان نام منسوب است و گرامیداشت آن بین کوچیها با زمانه گرامیداشت آتش دادگاه میباید. بهمن بیگی خان ایل قشقا ئی به بنده تعریف کرد که آتش خانوادگی آنها طی مدت سیصدسال گذشته حتی در سفر و حضر همیشه روشن نگاهداشته شده است. رقص در میان کوچیها در میدانی صورت میگیرد که برچی از سنگهای سفید ساخته شده و بر بالای آن آتش میافروزند و میرقصند. ازدواج با دختر کم سن بین افراد ایل قشقا ئی برخلاف ایل بویرا احمد و ممسنی بسیار مذموم و ناپسندیده است و داشتن بیش از یک زن نیز ننگ میدانند.

\* \* \* \* \*

مردم بشاکرد در بلوچستان بر روی قبر درگذشتگان خویش دیوار گرد بقدریک متر بلند میسازند که یا دگاری از دخمه میباید و پس از دفن جنازه سنگریزه جمع میکنند و نزدیک روستای خویش بنام درگذشته خویش بر رویهم انباشته میکنند چنانکه زرتشتیان در یزد نزدیک دخمه مینمودند بگفته آقای نژند مردم کرمان در منزل خویش در محلی که میت گذاشته بوده چراغ یا شمع روشن میکنند، چنانکه زرتشتیان مینمایند.

\* \* \* \* \*

ارک هم بگفته صاحب حدود العالم که مولفه سده چهارم هجریست در دو هزار سال پیش بنا شده است و در طی این مدت چندبار تعمیر گردیده، در ارک یک آتشکده بهرام وجود داشته که بمسجد تبدیل گردیده و اطاق آتش را چراغان علی قرار داده اند. قریب سیصد

قدم دورتریک آتشگاه که با حتمال قوی آتش آدریان باشد موجود است و یک آتشگاه دیگر در آنجاست که شاید آتش دادگاه باشد.

\* \* \* \* \*

طایفه منگل و طایفه جاجی در جنوب کابل، در یکصد و پنجاه سال پیش با تهدید بقتل وستم و ضرب با جبار اسلام آورده اند.

\* \* \* \* \*

بگفته همتی صاحب یاد کوتاهی از سرگذشت "تجارخانه جهانیا" در رفسنجان که رئیس آن شاه دروان پرویز جهانیا بود در رفسنجان یک تیم مجتاری ساخته بود کنه دارای حمام و بالاخانه های تابستانی مسافرو همه چیز بود و زرتشتیانی که با این شهر وارد میشدند و جای سکونت نداشتند، حیران نماندند و مجاناً در تیمچه ساکن شوند. برای ورود و توقف زرتشتیان بلا مانع بود.

\* \* \* \* \*

یک دخمه کهنه قدیمی در بلوک اناربخش کرمان میباشد. کوه بهشت دوزخ نزدیک سلطان آباد کرمان است دوره اونیم فرسنگ میشود و ارتفاع آن ۲۵۰ متر. علامت دخمه در این کوه بسیار است و عمارتی که ارتفاع ۱۵ متر است در این کوه میباشد که از ساروج و سنگ ساخته اند و از قراین ظاهراست که بنای این عمارت قبل از بعثت حضرت رسالت بوده است.

در نزدیکی روستای کریم آباد از بلوک سیرجان کوهی میباشد که دو بیست متر ارتفاع دارد و در قدیم دخمه بوده. شاه شجاع آنرا قلعه ساخت و موسوم بقلعه سنگ است اکنون معمور نمیشد.

جوزم معرب جوزم میباشد بفتح گاف از قریه شهر بابک در نزدیکی آن دخمه ای بر بالای کوهی است که ارتفاع آن تخمین سی ذرع میشود. (نقل از تاریخ کرمان خطی مولفه

(۱۲۸۶)

\* \* \* \* \*

## سدره وکشتی و دخمه و قربانی و پنچایت یزد

پنچایت یزد جلسه آسمان روز و فروردینما ه قدیم ۱۲۲۴ ای : در این جلسه موبدان موبد دستورنا مدار دستور کیخسرو متعهد شد که موبدان سدره بیوشند و در حضور حضرات موبدان قرار بر این شد که هر کس سدره نداشته باشد، او را در آتش و رهرام و گهنبارها راه ندهند و اینک هرگاه چهار نفر گواهی دهند که موبدی را دیده اند که سدره ندارد، برش نوم (نشوه، نه شبه) او باطل است و باید دوباره مراسم برش نوم را برگزارد تا آنکه بتواند موبدی کند و آنکس بینوا باشد و توانائی تهیه سدره را ندارد، مانگی صاحب سدره برایگان بآنها خواهد داد

ما نکجی در جلسه ورهرام و شهریورماها اظهار داشت تاکنون ببهدینان سدره داده میشد، اینک بصلاح جماعت است که سدره بموبدان نیز داده شود. سپس در مورد قربانی و بره نی نکشتن اندر زدا دکه قربانی بموجب فرمان دین و خدا روانبا شد و در جشن مهرا ییزد قربا نکنند.

پنچایت ییزد در نامه خود بسالمه دیبآ دروآذرماه ۱۲۲۴ی با نجمن اکا برما حبان پارسی هند در مورد دهمه مینویسند که در ورهرام و آبانماه مراسم طلسم دهمه یعنی تقدیس آن برکوه نریمان برگزار شده و گروهی بسیاری از مردم در مراسم جشن و آفرینگان خوانی شرکت داشتند و بهدینان ییزد متقبل شده اند که ۲۰۶ تومان بابت هزینه دهمه بپردازند.

در جلسه ورهرام و آذرماه ما نکجی اظهار داشت پانصد عدد سدره زدهش مهربانجی پانده برای بینوایان کرمان فرستاده شود. قرار شد بهدینان مبلغ بیست هزار روپیه تا حد امکان برای هزینه رفع جزیه بپردازند. در جلسه ورهرام و دیماه ۱۲۲۴ بموبدان دستور داده شد مهربانجی که سدره و کشتی نداشته باشد، کار دینی در منزل آنها انجام ندهند و بموبدی که انجام نمیدهد پنجران انعام داده میشود. مهربانجی که بی سدره و کشتی پیش دستور نامدار برود با او همکلام نخواهد شد. ما نکجی اظهار داشت یک هزار سدره از بمبئی رسیده هر کس میل دارد سدره به نیم قران بخرد و پول فروش آن با زبه بمبئی فرستاده میشود تا سدره های دیگر بفرستند. متأسفانه بسیاری از هموندان اجتماع امروز ما سندن دینی خود را خرافات شمرده پوشیدن سدره و کشتی را ترک نموده اند. از ذکر این خبر و احساسات دین پروری موبدان موبد ییزد دستور نامدار دستور کیخسرو با یدستایش کرد که پیشنها د پنچایت ییزد در جلسه آبان و آبانماه ۱۲۲۵ی در تعیین حقوق برای او در پرستار آتش ورهرام را قبول نمیکنند و جواب میدهند هر کس هر چه دلش بخواهد برای نیاز به آتش ورهرام بپردازد زدمی پذیرد نه بعنوان واجب.

چون تیمسار سرتیپ دکتر جها نگیرا شیدری در کتاب تاریخ پهلوی وزرتشتیان در صفحات ۲۸۸ - ۲۵۵ در مورد پنچایت ییزد و کرمان و انجمنهای ییزد و کرمان و شیراز و تهران صحبت داشته اند، از ذکر آن خودداری میشود.

در حدود ۲۸۰ تا ۳۰۰ سال پیش خدا بخش جا ما سب بختیاری ساکن بوانات فارس با گروه زرتشتیان آنجا به ییزد مهاجرت مینمایند. خدا بخش که نام او بر بادیه مسین نوشته شده با شنده تفت میگردد.

در بمهرا حمدآبا دکه در چها رکیلومتری اردکان ییزد واقع است حدود ۶۰ سال پیش ویران میگردد. یکی از اهل اسلام آنرا تصرف و ساختمانی برای اقامت خویش در آنجا بنا مینماید.

## کتابخانه‌های زرتشتیان

۱۳۱

دکتر رکن‌الدین همایون فرخ در شرح و پیش‌کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران صورتی از کتابخانه‌ها داده است و ما در اینجا صورت کتابخانه‌های زرتشتی یا زرتشتی زادگان مسلمان از آنجا اقتباس مینمایم.

" کتابخانه ابونصر شاپور ابن اردشیر: یا قوت حموی در معجم‌الادبیا، شعالبی در بیتیمه‌الدهر، ابن اشیر در کمال و ابن خلکان در طبقات‌الادبیا از کتابخانه بنام و معروف ابونصر شاپور بن اردشیر یاد کرده‌اند. ابونصر شاپور بن اردشیر کتابخانه‌اش را وقف عام کرده بوده است. (اینهم یکی از افتخارات ایران است که از قدیم‌ترین دوران دست‌بایجاد کتابخانه‌های عمومی برای بالابردن سطح معلومات و اطلاعات هم‌میهنان خود زده‌اند.) در کتابخانه ابونصر شاپور همه مردم توانسته‌اند از نفایس و ذخایر ادبی و علمی گرانقدر آن برایگان استفاده کنند. از اختصاصات کتابخانه عمومی ابونصر شاپور بن اردشیر که آن را بسیار ممتاز می‌دانشته‌است وجود نسخ خطی متعدد در علوم مختلف بخط مصنفان و مولفان آن بوده‌است.

" بهانه و دست‌آویز ستیزه‌گریها و مبارزه مسلمان با زندگی (زندیقی) و با صلاح‌جهد و مجاهده با بت‌پرستی و خلاف‌آیین و دین بود. در لفافه این شعار مردم فریب‌آنچه کتاب و نوشته‌گرانقدر ایرانی بود بدست فنا و نابودی سپردند که برخی از این رفتارشان ضرب‌المثل شد. خیزد پورکاس و سافشین اشروسنه را که از ایرانیان میهن‌پرست و از دلیران بنا م‌بود، با تها م‌اینکه در خانه‌اش کتابی از خدا بنا م‌داشته‌است آنرا دفتر گبرگان خواندند و با این تهمت ناصواب او را کشتند. وجدش را نیز سوزاندند و آب‌دجله دادند. حکیم مختاری غزنوی در قصاید غزایش چند بار بدفترا فشین اشاره کرده‌است.

" خدا بنا م‌افشین جلدش با گوهرهای بسیار گرانبها ترصیع یافته بوده‌است، دانشوران و سخن‌گستران ایران از دوران هخامنشیان و سپس اشکانیان و پس از آن ساسانیان برای احیای غرور ملی و اینکه هم‌میهنشان بدانند وارث چه‌هنرها بوده‌و چه قهرمانیها در عرصه‌پهنا و رگیتی کرده‌اند بپرداختن و ساختن داستانهای ملی و قهرمانی دست‌یازیده بودند و اینگونه دفترها را دودمان ایرانی بسیار گرامی و عزیز میداشتند و آنرا کارنا م‌ایران میخواندند و برای بزرگداشت این کتابها برگهایش را زرا ندود میکردند و هنر تذهیب از این هنگام بوجود آمد و سپس در جهان رواج یافت و جلدا اینگونه کتابها را نیز با گوهرها م‌ی‌راستند تا با ارزش مادی، ارزش معنوی آنرا به همگان بنمایانند."

کتابخانه رستم‌بن شهریار در ری: "شهنشاه غازی رستم‌بن علی‌بن شهریار در ری کتابخانه‌ای عظیم برپا داشت، بطوریکه ابن اسفندیار از دانشمندان تبرستان در تاریخ بنام خود متذکر است، پس از اینکه رستم‌بن اردشیر با وندی در تبرستان کشته

شد، او بهری گریخت و مدتها در کتا بخا نه رستم بن شهریار، از کتا بهای آن بهره مند گردید، از جمله در این کتا بخا نه عالیقدر بنسخه تاریخ تبرستان تالیف ابوالحسن بن محمد یزدا دی که بتازی بوده است دست یافته و آنرا بفارسی ترجمه کرده، اساس کار خود در تالیف تاریخ تبرستان قرار داده است. این کتا بخا نه نفیس تا هجوم مغول بری وجود داشته است. عبدالجلیل قزوینی مولف کتا ب النقص نیز متذکر کتا بخا نه غازی رستم بن علی شهریار شده و نوشته است که نسخه اصل کتا ب تنزیه را در سال ۵۳۳هـ بکتابخا نه شهنشا ه برده اند.

کتابخا نه مسجد عتیق اصفهان: "مسجد عتیق اصفهان سابقه تاریخی کهنی دارد و پیش از دوره اسلامی آتشکده بوده و سپس ما نند مسجد یا صوفیه بمسجد مبدل شده و در زمان دیلمیها و سلجوقیان وایلکانیان و مظفریها و حتی زمان اشرف افغان بارها تعمیر شده و بروسعت شبستانهای آن افزوده گردیده تا جا ئیکه امروز بصورت یک مجموعه نفیس از هنر معماری ایران از دوران قبل از اسلام تا زمان حاضر در آمده است. چون این مسجد پیوسته مورد توجه و نظر پادشاهان و وزیران ایران بوده است مدرسه نیز داشته که دارای کتا بخا نه بزرگ و قابل توجه و مورد مراجعه دانشمندان و طالبان بوده."

کتابخا نه فخرالدوله دیلمی: "شاهنشاهان دیلمی که از ایرانیان اصیل و پرچم داران احیای سنتهای دیرین ایران و یکی از پادشاهان زبان و فرهنگ آن بوده، هر یک بسهم خود در حد و فرمائیه خویشتن بنشادب و زبان فارسی کوشش و مجاهدتی چشمگیر داشته اند. کتا بخا نه ئیکه این دو دمان ایران دوست بنیادنها دند گنجینه شایگان بوده است. فخرالدوله دیلمی که خود مردی دانشمند و سخن شناس بوده نویسنده گان و دانشمندان را بنوشتن کتا بها مشوق بود و آثاری بسپار در ادب و دانش بنا ما و تالیف و تصنیف یافته است."

"پس از آنکه ایرانیان مقهور عربها گردیدند تلاش و کوشش سپاهیان عرب بدور محور انهدام آثار استقلال و ملیت ایرانیان دور میزد. زبان رسمی و دیوانی تازی بود و حکام و فرمائیه و دیوانیان را از سران عرب بر میگزیدند تا مراجعان و مردم کشورنا چار باشند بزبان دیوانیان که عربی بود گفتگو کنند و آن را برای رفع نیاز بپذیرند. برای محو مظاهر ملی ایران با شدت و سختگیری بیش از حد تصور مبارزه میشد. ایرانیان با دور اندیشی و خردمندی توانستند راه چاره بیا بند و با وضع و اختراع خطی که از خط راز دبیره (یا واسف دبیره) ریشه می گرفت خط فارسی را بوجود آورند و برای ثبوت آن نخست بنوشتن قرآن با آن خط پرداختند تا راه هرگونه تهمت و حمله و تاجا و زرا بخط نویسنیا د خود مسدود سازند. این خط نوساخته را خط فارسی خواندند و عربها نیز آنرا بهمین نام یاد کرده اند. ابن ندیم نیز باین حقیقت معترف است و میگوید ایرانیان قرآن را بخط فارسی می نوشتند و میخواندند. این خط در اواسط قرن اول هجری بوجود آمد و قرائن و اما رات بر صحت

این نظریه‌ها به فرید (به آفرید) فرزند ماه فروردین پیش از سال ۱۳۲ هجری یعنی قبل از خلافت بنی عباس در نیشاپور و اطراف آن آئینی تازه بنیاد نهاد. کیش او از تلفیق آیین مانوی با دین بهی سرچشمه میگرفت و چنانکه مورخان عرب ثبت کرده‌اند، هفت نماز آورده بود که بزبان فارسی بود و برای این هفت نماز کتابی بزبان فارسی با خط فارسی نوشته بود که پیروانش آن را میخوانده‌اند.

کتابخانه خاندان نوبختی: «همچنانکه برمکیان از بزرگان و خدمتگزاران معبد نوبها ر بوده‌اند، نوبخت نیز از بزرگان دودمان مغان فارس بود و از دانش مغان بهره کافی و وافی داشت و با اینکه فارس، خوزستان، ری و خراسان بتصرف عرب و نفوذ اسلام درآمد، با اینهمه نوبخت مغان سرپرستی مغان را بعهده داشت و آنان را رهبری و هدایت میکرد. در برابر فشارهای حکام و فرمانروایان عرب با سرسختی ایستادگی مینمود و میکوشید که آیین بهی را در سرزمین فارس زنده نگاهدارد. نوبخت را بجرم تبلیغ و نشر افکار آیین مغی (مجوسی) دستگیر و بزندان افکندند. نوبخت چنانکه در آثار با زمانه از نویسندگان عرب مستفاد است، از دانش مغان آگاه بوده و در نجوم و ستاره‌شناسی که یکی از دانشهای خاصه ایشان بوده است اطلاعات وسیع و غنی داشته، کتابی نیز از نجوم از او یاد میکنند که نخست بزبان پهلوی نوشته سپس آن را عبری ترجمه کرده است.»

«ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی در تاریخ بغداد متذکر است که قبل از سال ۱۳۶ هجری نوبخت مجوس ذرا هو از محبوس بوده است و بنقل از تاریخ بغداد چنین روایت شده است که اسمعیل بن علی نوبختی برای ابن قاسم کوکبی از شاگردان خود این روایت کرده که قدم نوبخت در آغاز آیین مجوسی داشت و دردانش ستاره‌شناسی سرآمد دیگران بود. آنگاه که در احوال زندانی بود روزی ابو جعفر منصور را می‌بیند که بزندان آمده بوده. نوبخت گفته است که ابو جعفر منصور را مردی با درایت و زیباروی دیدم و چهره‌ای دلفریب و نیکوداشت.»

«منصور نخستین خلیفه عباسی است که در میان خلفای اسلامی بستاره‌شناسی و احکام نجوم عقیده مند بود و منجمان و ستاره‌شناسان را گرامی میداشت، نظرات و اشارات ایشان را بکار می‌بست. نوبخت را که آیین زرتشتی داشت بقبول اسلام واداشت و در دستگاره خود بکارگماشت. نوبخت و پسرش ابوسهل از منجمان مخصوص و مورد نظر منصور خلیفه بودند بطوریکه خطیب بغدادی، آثار الباقیه و آثار البلاد متذکرند منصور در ساختن شهر بغداد سال ۱۴۴ هجری آغاز بساختن آن کرد که نوبخت آن ساعت را بر اساس احکام نجومی اختیار کرده بود.

«ابوسهل و نوبخت از مترجمان کتب پهلوی عبری بوده‌اند و از این نکته توان دانست که نوبخت وارث کتابخانه بزرگی از کتابهای فرس قدیم و پهلوی بوده است و با در اختیار



داشتن آنچنان کتابخانه‌ای نه تنها وسیله نقل آن آثار را بزبان عربی در دست داشته بلکه توانسته است بفرزندش نیز خواندن و نوشتن خطوط پهلوی اشکانی و ساسانی و چه خطوط دیگر ایرانی را بیاموزد.

«خاندان نوبختی که از سال ۱۱۴هـ تا ۳۲۶هـ از آنها نام و نشان در دست داریم موسس خزانه الحکمه بوده اند. خزانه الحکمه مرکز اجتماع ایرانیها و شعوبیه بوده که وسیله نوبخت و فرزندش ابوسهل بن نوبخت دایر گردیده بود و کتابخانه آن بزرگترین کتابخانه‌های زمان بود و بیشتر کتابهای آن کلامی، حکمی، فلسفی، علمی و نجومی بوده است. ابن ندیم نیز متذکر این نکته هست.

«بطوریکه گذشت خاندان نوبخت در نقل آثار ادبی و علمی ایران باستان و احیای سنت‌های ایران طی دو قرن خدمات برجسته‌ای انجام دادند و نهالی را که ایشان کاشتند در سده‌های بعد ثمرات و اشراآت ارزنده‌ای بیار آورده است.»

مسعودی در التنبیه و الاشراف از کتاب عظیمی در تاریخ ایران صحبت میدارد که در سال ۳۰۳هـ در استخراج یکی از بزرگان ایرانی دیده. این کتاب بگفته مسعودی مصور و شامل علوم کثیره و مطالبی بوده که در آیین نامه و گاهنامه نیز وجود نداشته و آنرا در نیمه جمادی الثانی ۱۱۳هـ استنساخ و برای هشام بن عبدالملک بن مروان از پهلوی عربی ترجمه کرده بودند.

کتابخانه منوچهر هومجی: در سال ۱۳۱۰ خورشید با نوی روانشا دمنوچهر هومجی کتابخانه او را با انجمن زرتشتیان تهران هدیه نمود. شماره کتابهای آن ۲۵۱۴ میباشد که شامل کتابهای انگلیسی عرفانی و تاریخی و گجراتی است.

کتابخانه اردشیر یگانگی: بسال ۱۳۴۰ خ با نوفرنگیس یگانگی (شاهرخ) کتابخانه بزرگی با هزینه خویش بنا مشهور خویش اردشیر بر روی زمین انجمن زرتشتیان تهران ساختمان نمود. کتابخانه نامبرده بهترین کتابخانه ایران شناسی و زرتشتی شناسی است مشتمل است بر کتابهای انگلیسی، فارسی، فرانسه، آلمانی، گجراتی، هندی، اوستا و پهلوی در موضوعات گوناگون بویژه در مورد دین زرتشتی. کتابخانه منوچهر هومجی نیز در این کتابخانه ادغام گردیده است شماره کتابها اینک بیش از نه هزار میباشد. واقع در تهران کوچه زرتشتیان خیابان میرزا کوچک خان.

کتابخانه سازمان فروهر زرتشتی تاسیس ۱۳۳۱ خ واقع در کوچه با مشادخیا با حافظ تهران.

کتابخانه نرگس بسرپرستی گروه زرتشتیان تفت و توابع مقیم مرکز تاسیس ۱۳۵۱ خ واقع در میدان سنائی کوچه ششم تهران.

کتابخانه زرتشتیان بسرپرستی کانون زرتشتیان شریف آباد مقیم مرکز تاسیس

۱۳۶۰ خ واقع در تهران پارس .

کتابخانه هورشت واقع در خانه روانشا دکریما در صوفیه پدر دکتر رستم صرفه در یزد  
بسرپرستی هئیت نظارت بر سرما یه انجمن زرتشتیان تهران با اهدای ۱۰۶۱ جلد کتابها  
فارسی، انگلیسی، پهلوی، اوستا و گجراتی با زماندگان روانشا دخدا رحم هر مزدا ره مرزا  
اینک بیش از چهار هزار کتاب دارد و امید زیاد شدن هم هست .

کتابخانه ما رکا در پرورشگاه ما رکا ریزد تا سیس ۱۳۱۳ دارای بیش از دو هزار کتاب  
که بخش مهم آن بتوسط دینشاه جی جی باهای ایرانی سلیسیتربمبئی ورشید شهمردان  
اهدا گردیده .

کتابخانه ناهید بسرپرستی انجمن زرتشتیان خرما هتسا سیس ۱۳۵۶ خ واقع  
در خرما هیزد .

کتابخانه زرتشتیان بسرپرستی انجمن زرتشتیان نرسی آباد تا سیس ۱۳۵۴ خ واقع  
در نرسی آباد یزد .

کتابخانه کوچه بیک بسرپرستی انجمن زرتشتیان کوچه بیک واقع در کوچه بیک  
تا سیس ۱۳۵۷ خ .

کتابخانه مهرابی بسرپرستی کمیته خیریه خدا داد مهرابی تا سیس ۱۳۴۱ خ واقع در  
خیابان ناصریه کرمان .

کتابخانه پاسارگاد بسرپرستی سازمان جوانان زرتشتی، واقع در پذیرشگاه  
زرتشتیان در شیراز .

کتابخانه مروارید در طبقه همکف در بمهرارباب رستم گیو در نیوراشل نیویورک  
اتا زونی آمریکا .

کتابخانه زرواسترین سنتر واقع در LOS ANGELES در جنوب کالیفرنیا ااتا زونی  
آمریکا .

دکتر همایون فرخ در پایان صورت کتابخانه‌ها چنین نتیجه‌گیری میکند . " هجوم  
عرب برای ایران و عدم اطلاع و آگاهی گروهی از وقایع نگاران از رویدادهای واقعی تاریخی  
در گوشه و کنار ایران، این توهم را پیش آورده است که نزدیک به دو قرن ایرانیان در بلا  
تکلیفی و انقیاد خلفا بسر برده اند در حالیکه حقیقت واقع جز اینست . از سال بیست و پنجم  
هجری پورگیلانشا در تبرستان و رویان علم استقلال برافراشت و در ناحیه دیگرمانند زندان  
اسپهبدبا و در سال چهل و پنجم هجرت و دابویه پورگیل در سال ۵۶ هـ و پادوسبان در چهل و  
هجری و تبعیت آنان پس از چندی صفاریان، سامانیان، بویه‌ها و زیاران و و و و پرچم  
استقلال برافراشتند و بمرو و بنفوذ بیگانگان پایان دادند . طرح این مسئله برای  
گروهی غیر مترقبه و باور نکردنی است که ادبیات و فرهنگ ایران پس از دوران اسلامی  
متعلق بخود ایرانیان است و عرب را در آن سهمی نیست و وجود گویندگان و نویسندگان

ودانش پژوهان قرن سوم و چهارم هجری بر پایه و اساس افکار و آثار گویندگان سده‌های قبل از آن است. اینک در میا بیم که برخلاف تصور شکاکان در قسمتی از ایران در بیستمین سال هجرت قیام علیه بیگانگان آغاز شده بود و برای حفاظت و صیانت زبان و فرهنگ ایران از دستبرد حوادث پناهاگامی امن و امان بوجود آمده بوده است. آیا قابل قبول است که حکومت و سلطنتی از بیستمین سال هجرت درما زندان و رویان و تبرستان با استقلال فرمانروائی کند و فاقد خط و زبان باشد؟ آیا این دودمانها که در بخش اعظمی از شمال ایران حکومت میکردند در سال بیستم هجری بخط کوفی دفترها و رسائل حکومتی خود را مینوشتند و تنظیم میکردند. در سالهای ۲۰ تا ۴۰ خط کوفی یا مدنی یا مکی در خارج از حوزه عربستان هم رواج یافته بوده است؟ آیا این ملوک و فرمانروایان که قهرا با فرهنگ و ادب پهلوی و پارتی آشنائی داشته‌اند (بدلیل وجود کتیبه‌های پهلوی در برجهائی درما زندان از جمله برج گنبد لاجیم و رسکت) با شعرو سرود دوران پیش از اسلام بیگانه بوده‌اند؟ و آیا یکبار ه و ناگهانی در زمان صفاریان و سامانیان شعر خلق الساعه با آنهمه عظمت و بزرگی و بلاغت و فصاحت پدید آمده بوده است؟ تحقیق عمیق در اینگونه مطالب و مسائل به بسیاری از مجهولات میتوانند پاسخ مستدل دهد و ما را بعظمت و ارزش فرهنگ جهانی و فروغ بخش ایران رهبری و هدایت کند و این واقعیت و حقیقت را بر ملاء و آشگارسازد که ایران از دیرباز در علوم و دانشها گوناگون صاحب آثار و نظر بوده‌اند. وجود کتابخانه‌های عظیم در دوران قدیم بحشی نظری و تخیلی نبوده و همین سنت در بوجود آوردن کتابخانه‌های بسیار و بیشمار دوران پس از اسلام و همچنین تاسیس و ایجاد مدرسه‌ها اثری مستقیم و غیر قابل انکار داشته است.

### کلانتران زرتشتی

زرتشتیان برای اداره امور خویش در دوران گذشته تحت رهبری کلانتران بودند که از بین خویش و با نظر دولت انتخاب میشدند. دولت نیز برای اداره امور اقلیت زرتشتی، پستی بنا حکومت مجوسیان دایر کرده بود. کلانتران زرتشتی در باره امور جماعت خویش با او مذاکره مینمودند. وصول مالیات جزیه از افراد زرتشتی بر عهده کلانتر وقت بود که در موقع خودبخزانه بپردازد.

صاحب جامع مفیدی در مورد انتصاب کلانتر در ص ۲۰۶ چنین مینویسد. "الله قلی بیک وزیر (درگذشت ۱۰۷۹ هـ) در زمان شاه صفی ثانی صفوی من حیث الاستقلال زمام مهمات و معاملات و حکومت دارالعباره یزد و توابع بقبضه اقتدار در آورد و وزیر جلیل القدر و متصدی خالصات و کرکرا ق سرکار خاصه شریفه و ناظر کل اوقاف دارالعباده مزبور گشت و حکومت و داروگی مجوسیان که فی الواقع منصبی است عظیم بآن جناب تعلق میداشت و بی‌شائبه تکلف و سخن آرائی آن دوحه چمن سروری در مدت چهل سال که در کمال اقتدار

و اعتبار در بلده طیبه یزد علم استقلال برافراشته بود. " با زدر صفحه ۷۵۸ چینی آورده "در سال ۱۰۷۹ هـ حکومت مجوسیان یزد که فی الحقیقت منصبی است عظیم القدر به محمد خلیل بیک خلف وزیر غفران پناه مفوض فرمود. "

موقعیت کلانتران زرتشتی بسیار مهم بوده. نامه‌هایی که از پارسیان هند بنام موبدان ایران می‌آمده و جوایای پرش پاسخهای دینی خود بوده‌اند، در خانه کلانتر بوسیله موبدان و با حضور و پاسخ داده می‌شد و همه موبدان و کلانتر و بسیاری از بهدینان متنفاً امضاء میکردند. نامه‌های موبدان و شهرهای دیگر نیز در آن ذکر می‌نمودند. نامه‌های پارسیان که از سال ۸۴۷ تا ۱۱۴۲ یزدگردی با ایران می‌رسد تنها از نام ملا بهرام ردشیر کلانتر ساکن خرمشاه اطلاع داریم که در منزل او جواب نامه داده می‌شود. چون هنگام ورود ملاکوس بن رستم چارنا مه‌هند، کلانتر وقت در یزد نبود و برای انجام امور مالی زرتشتیان بشیرازپایتخت کشور رفته بود، پاسخ نامه‌ها توسط دوماه پس از ورود او و بنا افتاد. هنگام مراجعت کلانترانجمنی از موبدان و بهدینان در منزل او تشکیل و پاسخ نامه نوشته و بچارنا مه‌ده داده می‌شود. یزد در آن هنگام دستورنشین بود ولی قبل از آن ترکا با دتا چندین سده دستورنشین بوده است.

از نامه‌های آن زمان چنین مستفاد می‌شود که پس از سال ۱۱۰۰ یزدگردی شصت خانوار از موبدان زرتشتی ترکا با دیواسطه ستمکاری و ضرب و شتم ما مورین در اذمالیات جزیه دستجمعی سلام می‌آورد و پس از اسلام آوردن چون پیشوای دین و بعبارت دیگر سید دین بوده‌اند عما مه‌سیدی بر سر می‌گذارند و سید و آقای مسلمانان میشوند. دستور وقت پس از این پیشاً مدبا آتش مقدس و رهرا م به یزد می‌رود و یزد دستورنشین میگردد.

از نام کلانتران پیش از سال ۱۱۴۲ی اطلاعی در دست نیست. تنها از نام شخصی که در سال ۱۱۴۲ی کلانتر بوده بنام ملا بهرام ردشیر خرمشاهی آنهم از گزاری که ملاکوس در هند داده بدست ما خبر رسیده است. ملا بهرام در دوره کلانتری خویش مصدر خدمت مهمی نسبت بزرتشتیان شده و آن اینکه اقلیت مذهبی یهود می‌بایست یک وصله‌نا جور کهنه بر پشت قبای خود بدوزند تا از دور شناخته شوند. اما برای زرتشتیان چنین حکمی وجود نداشت. تنبان زرتشتیان سفید بود و تنبان مسلمانان نیلی یا سیاه‌رنگ. اما در سال ۱۸۸۰م در مورد زرتشتیان نیز چنین حکمی صادر کردند. ملا بهرام خرمشاهی کلانتر زرتشتیان بگفته‌نا پیر ملکمازحاکم وقت محمد حسنخان مهلت سه روز خواست و بهمه زرتشتیان دستور داد فوراً " لبه‌گریبان پیراهن خود را گلدوزی نمایند و روز سوم همه مردم آن پیراهن را پوشیده بکوجه و باز بروند. ملا بهرام بحاکم عرض نمود مقصود از حکم تشخیص زرتشتیان از مسلمانان است اینک باین وسیله از یهودیها نیز تشخیص داده میشوند. علما چون دیدند برخلاف منظور آنان که هتک شرف زرتشتیان بود خود را بوضع بهتری آراستہ‌اند موضوع را مسکوت گذاشتند.

اما نام کلانتران دوره بعدتر در ریزدغبا رتست از خدا داد درستم کدخدا کسنویسه ای  
مرزبان ظهرا ب کسنویسه ای و بعدنوه اش هر مزدیا رخدا بخش و پس از او ملا بهرام خرمشا هی  
سپس کدخدا بهزا دا زنا م پدرو محل اقامت او بیخبریم . کدخدا بهزا در سال ۱۲۲۳ ی بیعد  
کلانتر ریزد بوده است . مردم از زیاده رویهای او در مورد جمع آوری جزیه بما نکجی و پنچا  
یزد که در سال ۱۲۲۳ ی تشکیل شده بود شکایت مینمایند ، و بحساب او در مرداد ماه ۱۲۲۵ ی  
رسیدگی میشود . بدینقرار :

از رعیت وصول کرده ۱۱۵۷۹ تومان خرج کرده اصل پول دیوان ۸۳۶۴۸۰۰ تومان

|             |       |                |        |
|-------------|-------|----------------|--------|
| تومان عباسی | ۱۹۸   | حق الحکومه     | ۱۰۰۰   |
|             | ۱۱۷۷۷ | میرزا سید حسین | ۲۲۰    |
|             |       | رکن آبادی      | ۷۲     |
|             |       | تفاوت مستمری   | ۱۵۰    |
|             |       | تفاوت تخفیف    | ۲۷۲۲۰۰ |
|             |       | تومان سیصد     | ۲۵     |
|             |       | دینار          | ۱۳     |
|             |       | داروگی         | ۷۲     |
|             |       | میرزا صدر      | ۴۰     |
|             |       | مستمری         |        |
|             |       | مواجب کدخدا    |        |

۱۱۵۷۹

طلب مردم ۱۹۸

بموجب صورت فوق کدخدا بهزا دیکصد و نود و هشت قران زیاد ترا از مردم وصول کرده است .  
آخرین کلانتر ریزد ملادینیا رهبرام کلانتر میباشد که بموجب فرمان جلال الدوله مورخ به  
۱۳۱۶ هـ با مین الفارسیان ملقب گردید .

ی  
کتاب در التیجان تالیف اعماد السلطنه در سال ۱۳۰۸ هـ در آخر کتاب نامها  
کار گزاران زرتشتی کرمان را بدین روش میدهد . ملاکیخسرو کلانتر ، ملاگشتاسب ریش  
سفید و میرزا بهمن ریش سفید و در سال ۱۳۰۹ هـ نام ملاجمشید پسر ملا کیخسرو هم یاد شده  
است . در سال ۱۳۰۹ هـ نام رستمجی پاری را ذکر میکند که نماینده دولت شاهنشاهی  
در کلکته شهر مهم کشور هند بوده است . در دوره زمامداری جلال الدوله پسر ظل السلطان  
بسال ۱۲۶۱ ی در یزد کدخدا دادا سفندیار مریابادی تماس نزدیکی با جلال الدوله  
داشته و مصدر خدماتی نیز بجماعت زرتشتیان بوده است ، کتاب الهآشرو الاثار تالیف محمد  
حسنخان اعماد السلطنه مولف ۱۳۰۶ هجری قمری از رستمجی زرتشتی هند که در کلکته قونسو  
ایران بوده و از میرزا حبیب الله سرپرست زرتشتیان و ملاکیخسرو کلانتر و ریش سفید زرتشتیان  
کرمان و یزد نام میبرد .

## رونوشت تعهدی که ما نکجی ها تریا از موبدان یزد گرفته است

تاریخ یوم فرخ گوش اج سفندار مزدما ه قدیم ۱۲۲۴ ای سرکا رست صاحب مانکجی حضراتان موبدان مفصله ذیل را طلبیده در منزل آتش ورهرا م سئوال پرسیدند. سئوال اول اینکه در طریقت آئین زرتشت انوشه روان، جایز و لازم است که کلهم موبدان و <sup>بیان</sup> بقیان را ه دین سدره بیوشند یا خیر. حضراتان حاضر جواب دادند که بلی جایز و لازم است، هر کس نپوشد خراج از دین بهی می باشد. یعنی باید کلازن و مرد سدره بیوشند چنانچه هر بهدینی با سدره نباشد و هر موبدی بخانه آن شخص برود کاروان بکنند آن موبد از کار موبدی معزول است هوش از او بگیرند و چون قبل از این قرار شده بود کلا " زن و مرد و طفل موبدان سدره بیوشانند تا در این هنگام بعضی عمل نموده و بعضی سهل شمرده از تاریخ فوق اقرار نمودند و سوگند یاد کردند که من بعد از این خود و عیال خود سدره بیوشند و بیوشانند. به دین بهی بی بهره هستند اگر نکنند. و دیگر سئوال فرمودند که در طریقت و بفرموده حضرت زرتشت گاو کشتن جایز است یا خلاف است. جواب گفته که خلاف است. بفرموده پیغمبر زرتشت بهیچ وجه گاو را نباید کشت. فرمودند اگر چنین است چرا گاو را بخاتون بانو میبرند و را بسیارست میکشند؟ جواب گفته که آنهم خلاف است. بعد از این عمل موقوف است. امضاء

دستور دستوران نامدار - موبد دینیا رنو شیروان - موبد بهرام موبد به مرد - موبد خدا بخش مرزبان - موبد فرود آبا دان - موبد خدا داد خدا بخش - موبد فریبرز - موبد بهرام اردشیر - موبد خدا بخش رستم - موبد آبا دان - موبد مهربان پشوتن - موبد خدا داد - موبد ورمزدیا رسیاوش - موبد رستم مهربان - موبد شهریار اسفندیار - موبد کیخسرو مهربان - موبد بهرام خدا بخش - موبد پیران رستم - موبد خدا داد اردشیر - موبد دینیا روفادار - موبد خسرو بهمن - موبد مهربان خسرو - موبد کیخسرو بهمن - موبد هماوند - موبد خسرو مهربان - موبد فرامرز - موبد خدا داد دینیا ر - موبد تیراندا زاردشیر - حقیر دینیا ر ولد با مس حضور داشت.

فهرست کتب زرتشتیان که نویسندگان آن زرتشتی بوده اند و

اینک در دست نیست یا بنظر نگارنده نرسیده

(نقل از نسخه خطی بنشانی R 84 محفوظ در کتا بخانه خورشیدیچی کا ما در بمبئی)

- ۱- آئینه سکندر، نامکتا بیست از تصنیف ذوالعلوم حضرت آذرکیوان در بیان عقل و نفوس . ۲- تاریخ ابن همایون از تصنیف طایفه اول و خشوران و خشور آبا دکه او را صاحب شریعت و پیغمبر کامل دانند . ۳- اورندنامه ، تصنیف پیشداد و خشورو

پیشدادشهنشاهوشنگ . ۴- تهمورث نامه ، در بیان ریاضت حضرت کیومرث . ۵- نهاد موبدی . ۶- فرها دگرد ، در بیان آنکه بر کیومرث وحی نازل شد بجهت فرماندهی و حکمرانی و بنای سلطنت او و ذکر سلطنت هوشنگ . ۷- ارون دنا مه در بیان حضرت سیامک یعنی شیث مذکور است . ۸- جاویدان خرد ، کتابیست در حکمت عملی از تصنیف شاهنشاه هوشنگ . ( این کتاب ناقص و چندین چاپ آن موجود است و بهترین چاپ آن ترجمه و تالیف سید محمد کاظم ما بروایت ابن مسکویه رازی میباشد . ) ۹- نامه شیدستان ، تصنیف شهنشاه جمشید . ۱۰- فرها دنا مه ، در بیان ریاضت حضرت تهمورث و غیره . ۱۱- آفریدون نامه ، در احوال تهمورث . ۱۲- نامه خجسته افراز ، تصنیف و خورشور منوچهر . ۱۳- شکوه سار ، تصنیف حضرت ساسان دوم در بیان علم حصولی و حضوری . ۱۴- کتاب تهمورث نامه . ۱۵- نامه شکوه فزا ، از فرزانه پهلوان دستان سام در بیان منوچهر . ۱۶- خدیو نامه . ۱۷- نامه آئینه آئین ، از فرزانه جا ماسب . ۱۸- واقعه اولیای پارس ، در بیان کیخسرو . ۱۹- جامع الاصول ، از تصنیف ابن اثیر در بیان وجه تسمیه کیخسرو . ۲۰- فر آزادگان ، کتابی است از تصنیف آزاد سرو که از نژاد سام بن نریمان است و اکثرش مشتمل بر کردار رستم و خدا پرستی و جهانگیری او و نیز در آن کتاب مذکور است که حضرت رستم میگفت که در واقعه ای دیدم که میگفتند سه گنا ه کردی که با وجود عبادت شراب از انداز بیرون خورد و گوشت زنده بار که مکروه است خوردی و جمعی که تهذیب اخلاق بریاضت کنند ایشان را نیز بر اکل گوشت تکلیف نمودی با خبر باش که ترا حرب اسفندیار باید نمود که از آن امری عظیم نیست . ۲۱- کتاب نیرم سور ، در بیان تهمتن رستم آنچه بتحقیق پیوسته و در کتب معتبره ایران نیا ن آمده که رستم بعد از آنکه حضرت زرتشت مبعوث شد قرائت زند آموخت و بدان پرداخت اما در مستی باده نوشی گور کشته شیر خورده و نادانسته بهمن را نیز بخوردن گوشت تکلیف نمود و او دست نیازید . ۲۲- نامه خرد کام ، از شهنشاه بهمن در بیان اسفندیار و گرویدن رستم بدین زرتشت علیه السلام و او را رساله ایست مدلل بر قبله نهادن حضرت آتش و غیره . ۲۳- نامه آئین داد نام ، از خوشوردیو بند شهنشاه تهمورث در بیان بزرگی شهنشاه هوشنگ . ۲۴- تفسیر ژند ، از آذر ساسان اکبر . ۲۵- پرتو فرهنگ ، از آذر کیوان . ۲۶- تخت طاقدیس از آذر کیوان در باب نور الانوار و رب النوع هراشیا . ۲۷- طباع نامه ، در معرفت عقول . ۲۸- مثل افلاطونی ، در معرفت عقول . ۲۹- هدینه سپهر ، از حکیم جا ماسب در بیان فلک الافلاک . ۳۰- فرزین فرهنگ از شید آئین در باب افلاک . ۳۱- هنر آباد ، از دستان سام در بزرگی کواکب سبعة و مفاصله فیما بین ایشان و کسوف و غیره . ۳۲- نامه برزیوند ، از رسول الله زرتشت علیه السلام . برزیوند بمعنی سخن بی رمز و صریح را گویند و در این نامه چگونگی عناصر چها رگانها که از آمیزش یکدیگر چه خاصیت پیدا میشود و احوال هفت اقالیم و زلزله زمین و غیره مذکور است . ۳۳- پالان خران ، از شیدو ش نامه که پیشکا رحضرت ساسان بنده بود . ۳۴- کنشنا مه از پادشاه جمشید . ۳۵- شرح

سیاست مدن، از حکما . ۳۶- از شهنشاه اردشیر در انتظام مملکت . ۳۷- باستان نامه ،  
 در باب شهنشاه اردشیر . ۳۸- نصایح الملوک ، از آذر مهر . ۳۹- بادوان خرد ، از  
 و خورشید پشدا دوشهنشاه پیشدا مذکور است و در علامات تفرس . ۴۰- خردکامناه از  
 شهنشاه بهمن . ۴۱- رساله تهمتن دوران ، در باب آتش پرستی . ۴۲- بست شاهی ، در  
 بزرگی اسفندیار و آنچه فیما بین او و رستم واقع شد . ۴۳- تهمورث نامه ، در بیان مذکور .  
 ۴۴- نامه تهمورسی ، تهمورث نامه را گویند که در باب لامذکور شد . ۴۵- نامه فرهادین اردشیر ،  
 در باب سیمرغ که او مرتاض کامل در صورت طا یربود . ۴۶- رساله ایست از بهرام شاه که  
 او نیز از مرتاضان حکما بود و در احوال سیمرغ تصنیف نموده . ۴۷- کردار نامه ، در بیان  
 رستم و اسفندیار . ۴۸- نامه دانش افروز ، از شهنشاه اردشیر بابکان . ۴۹- ویژ  
 پرویزی ، از بزرگامید در بیان بهمن یعنی عقل اول . ۵۰- کردار شاهی ، در چگونگی  
 شهنشاه بهمن . ۵۱- دادنامه ، در چگونگی شهنشاه بهمن . ۵۲- نامه از تصنیف  
 بهمنیار بن خرادین زرمهر که یکی از عظمای فرس و صلحای عصر بود در احوال شهنشاه اردشیر .  
 ۵۳- باستان نامه ، از آذر آئین در ستایش بهمن پادشاه . ۵۴- نهاد شاهی از تصنیف  
 و فراهم آورده هائی در باب انتظام مملکت پادشاه بهمن . ۵۵- آئین خسروی از جوامع  
 ایزدگشسب است در باب انتظام سلطنت شهنشاه بهمن . ۵۶- نامه راست ایستی ، از تصنیف  
 شهنشاه بهمن در بیان قتل زندبار . ۵۷- جاماسب نهاد- جمع کرده فرزانه صاحب جمال  
 مشتمل بر کردار خسروان و نصایح ایشان و مواظب فرزانتگان و آداب و خواص بزرگان و  
 وقایع اقالیم سبعه . ۵۸- آئین بهمنی ، که در خلق و کردار اوست مشتمل بر سخنان  
 آن حضرت . ۵۹- داراب نامه ، از داراب اکبر در کردار پادشاهان گذشته . ۶۰- باستان  
 نامه دانشور . ۶۱- خرادنامه . ۶۲- دانش افزای نوشیروانی ، بوذرجمهر نوشته ۶۳۰.  
 تاریخ شیدوش که از قدمای مورخین پارس است . ۶۴- گلستان بینش از تصانیف خرادین  
 آئین گشسب در روانمودکیانی و سایر نامه های اعجاز مسطور است . ۶۵- گلستان دانش ،  
 از تصانیف آذرپژوه بن آذر آئین بن کستهم بن بهرام بن ماه آذرین فریبرز بن کاوس .  
 ۶۶- نوروز شاهی ، فراهم آورده های خرادین برزین بن سیمای برزین بن آئین گشسب بن  
 زواره بن زال بن سام در بیان رستم و دختر او بانو گشسب . ۶۷- جاماسبی ، از فرزانه  
 جاماسب . ۶۸- دانش فروز ، در چگونگی شهنشاه داراب بن بهمن . ۶۹- ماه آذر را  
 رساله ایست در شناخت آتشکده ها و آداب زیارت آذرپرستی که بفرموده هرمز بن نوشیروان  
 نوشته . ۷۰- نامه فرهاد که یکی از موبدان است و تاریخ و صفات آذرکده ها و طریق و آداب  
 زیارت و نماز و چون اذکار و سده و چله و سالیان و خلوت و سایر طاعات و ابصار و روحانیات  
 ذکر کرده ، در آن کتاب گوید که آتش بلخ از آینه گشتاسب است و الی یومنا که روزگار  
 حضرت شهریاری پادشاه جهان اردشیر بابکان است نیفرسده و کسی بخرابی آن جزا رسب  
 سعی نموده و بعد از او آسب الی یوم بر آن نرسیده و همگی ملوک اعجاز مدرتعمیر و مرمت



آن میفزودند. ۷۱- نامه هوش پیرای، از بوذرجمهر در بیان طبقه اشکانیان. ۷۲- باستان نامه، در این نامه بسیاری ذکر ملوک عجم آمده است. ۷۳- نامه فروغ بخشای، در بیان حضرت ساسان. ۷۴- کتاب بادسار، از موبدهوش در بیان شهنشاه داراب. ۷۵- کارنامه، نسخه ایست از مولفات شهنشاه اردشیر با بکان مشتمل بر کیفیت خروج طواف او در اطراف واکنای ربع مسکون. (چندین جور ترجمه این کتاب که بی‌هلو نیست چاپ شده است.) ۷۶- سوم سوره، یعنی آداب العیش نام و آن کتاب جهت عوام اردشیر با بکان تصنیف کرده و آن مشتمل بر آداب خوردن و آشامیدن و با مردم زندگانی کردن. ۷۷- کارستان، نام کتابی سترک است در حکمت عملی از شهنشاه اردشیر با بکان. ۷۸- نور حدیقه بینش، از شهنشاه اردشیر. ۷۹- سروموزون بساتین، از شهنشاه اردشیر. ۸۰- نهاد فارس. ۸۱- نهاد خسروی، در بیان کرم و سخاوت شهنشاه اشکانیان کرده. ۸۲- نامه سراسر فرهنگ، از خوشور هنرپرور ساسان پنجم در چگونگی سلطنت خسرو پرویز. ۸۳- کتاب کتب سیر، در بیان خسرو پرویز. ۸۴- رساله ایست از آذرتشت، در ریاضت سیاه. ۸۵- آمیغستان، در بیان آبادیان که از ایشان اختراع اسباب دنیا وجود گرفت. ۸۶- اخترستان، در بیان قبله نهادن اختران و بوی خوش که مخصوص ایشان است افروختن. ۸۷- جشن سده تصنیف و ترجمه موبدهوش در مکانات اعمال و کشتن زندبار. ۸۸- سرود مستان، از موبدهوشیا مرقوم است که از زمان شت کیومرث تا جمشید شیر و غیره درندگان مطیع ایشان بودند و خون نمیریختند. ۸۹- زردست اقشار، تصنیف نموده موبدسروش در جلسات و آئین نشستن. (این کتاب در هندوایران چاپ شده است.) ۹۰- نوشدارو، کتابی است از موبدسروش. ۹۱- سکنگبین، از موبدسروش. ۹۲- بزمگاه تصنیف موبدخوشی. ۹۳- ارژنگ مانی، تصنیف فرزانه بهرام بن فرشاد که او را کوچک بهرام گویند. ۹۴- ویژه موبد، تصنیف موبدپرستار بن خورشید. ۹۵- پیمان فرهنگ، نامه ایست از پیغمبر مه آباد و آن را ترجمه ها کرده اند یکی از آن ترجمه ها ترجمه فریدون آبتین است و دیگر از بزرگمهر برای نوشیروان قباد و این پیمان فرهنگ کلام الهی است. ۹۶- کامگار، از پارسیه گروه سمرادیان که در عهد سلطان محمود غزنوی بود رساله منظومه نوشته. ۹۷- رساله جمشاسپ بن جمشید است و گروهی در اطاعت او بودند که ایشان به جمشاسپیان معروفند. ۹۸- رساله از خداداد، و او موبدی بود در هنگام ضعف سلطنت جمشید و تسلط ضحاک و متابعان او را خدائیان گویند. ۹۹- رساله ای از مردی پیکری نام و متابعان او را پیکریان گویند و عقیده این فرقه آنست که ایزد متعال عبارت از آتش است. ۱۰۰- رساله ای از آلار، و گروهی که پیرو او بودند موسوم به آلاریا نند و مذهبشان چنین است که خدا از آباست. ۱۰۱- رازآباد، نام رساله ایست از شیداب مشهور بشمس الدین و او پزشکی بود و رساله مذکور در تقویت آئین خویش مدلل بآیات قرآنی ساخته. ۱۰۲- نامه آخش، آخش موبدی بود پارس نژاد و آیین خود را چنان تعیین نموده بود که مایه

آخشیجان خداست . ۱۰۳- موبدآذر خرادکتا بی تصنیف نموده در بیان زندگه ۲۱ نسک است . ۱۰۴- رمزستان زرتشت ، از تصنیف حکیم آلهی جاماسب . ۱۰۵- سانیا ل ، نامنا مه ایست مشتمل بر آئین خلع بدن و بحق پیوستن و از این بزرگتر در این عمل کتابی نیست از گروه سپاسیان . ۱۰۶- نامه آذریان ، در میان پادشاه خسرو پرویز و پیغمبر عربی محمد آنچه واقع شد در این نامه مذکور است . ۱۰۷- تفسیر تا و تود که فرشی است از دساتیر مصنف ساسان پنجم . ۱۰۸- رساله ایست از کلام شیدوش شاگرد ساسان بنده که بوسیله شاگرد حضرت ساسان پنجم است . ۱۰۹- کتاب آذرپرستان از حکیم آلهی بوذرجمهر در بیان حضرت واجب الوجود . ۱۱۰- چمن سوم از کتاب شارستان چهار چمن که ناقص است و چمن چهارم آن اکنون بدست هیچکس از پارسیان نمانده و با وجود تفحص تمام میسر نمیگردد .

### مردان نا مورزرتشتی

ارباب رستم گیو : که شهرت نیکوکاری اش سراسر کشور ایران را فرا گرفته و نیک نامی اش مورد تصدیق خاص و عام است روز ۱۵ مهر ۱۳۵۹ در سن ۹۴ سالگی بسرای جاودانی شتافت و با پاکان مینوی همنشین گشت . ارباب رستم بر این مفهوم این جمله گاهتها "خوشبخت کسی است که برای خوشبختی دیگران بکوشد" زندگانی پراز کار و کوشش بود . آثار خیر فراوانی که از این شادروان در سراسر کشور بنیاد گرفته گواه این حقیقت است . ارباب رستم برای گسترش و حفظ موسسات خیریه و بهره وری بیشتر مستضعفین : در سال ۱۳۳۷ ( ۲۲ سال پیش ) "بنیاد رستم گیو" تاسیس و به تحقق نیت خیرش آماجی بخشید و اینک با ختصار فهرست کارهای نیک و دهشهای خیراندیشانه و موسسات خیریه ای که ایجاد و مورد استفاده عموم است در زیر آورده می شود :

(۱) دبستان دوازده کلاسه دخترانه گیو در تهران (۲) کمک به کسری بودجه و ساختن نهایی خیریه انجمن زرتشتیان تهران (۳) مجتمع بزرگ فرهنگی و اجتماعی و مسکونی در تهران پارس برای استفاده مردم فاقد خانه ، بنا مرستم باغ بر روی قطعه زمینی بمساحت ۲۵ هزار متر که مشتمل است بر آذریان (معبد) کتابخانه - تالارهای اجتماعی برای جشنها و هم چنین تالار مخصوص برای اجرای آئینهای مذهبی و نیز ساختن نهایی که در حال حاضر شصت خانواده از افراد کم بضاعت در آن مسکون و افزون بر آن ۲۸ دستگاہ ساختن دیگر در دست ساخت و انتظار می رود تا چند ماه دیگر تکمیل و مورد استفاده خانواده مستضعف قرار گیرد ضمناً زمین ورزش و بازی در اختیار جوانان و نونهالان قرار دارد (۴) دو باب دبستانهای دخترانه و پسرانه دوازده کلاسه بر روی دو قطعه زمین هریک بمساحت پنج هزار متر بنا ماستاد خدا بخش و استاد دپوردا و دکه سالهاست مورد استفاده است (۵) آب

انباری برای ذخیره آب از قنات اصلی تهران پارس که بنیاد در آن سهم است بمنظور استفاده ساکنین رستم باغبهنگام ضروری و کم آبی (۶) اهدای یک قطعه زمین بمساحت پانزده هزار متر به وزارت آموزش و پرورش برای ایجاد مجتمع فرهنگی کنه خوشبختانه مورد بهره برداری است (۷) سوهانک (تهران) - ایجاد ساختمان درمانگاه بنام جوان ناکام (مهربان گیو) و واگذاری ساختمان زمین آن بوزارت بهداشتی (۸) دماوند (قریه کوهان) - ایجاد ساختمانهای مسجد - حمام بهداشتی - درمانگاه مجهز و دبستان که در حال حاضر مورد استفاده ساکنین آن حدود است و همچنین ایجاد ده شوسه ماشین رو از جاده اصلی فیروزکوه به قریه نامبرده (۹) یزد - الف - کمک به نوسازی و تعمیرات اساسی دبیرستان ۹۰ ساله کیخسروی و ایجاد زمین ورزش برای دانش آموزان ب - ساختمان تالاری جنب دبیرستان به گنجایش ۴۰۰ نفر بنام "تالار مروارید" مجهز با مبیل و اثاثیه و لوازم مربوطه که اینک برای سخنرانی و برگزاری امتحانات و مجالس جشن از آن استفاده می شود، پ - ایجاد آب انباری بگنجایش تقریبی چهار هزار متر مکعب پیش از لوله کشی شهر یزد برای رفع مضیقه آب آشامیدنی که سه محله مسکونی از آن سیراب می شدند، ت - کمک به بودجه لوله کشی قریه نصرت آباد یزد، ث - ساختمان آب انبار و آسایشگاه برای زائرین در زیارتگاه پیرسبز (چک چک) ، ج - کمک های نقدی به دفعات به بودجه آموزشگاه دخترانه مارکار یزد - سازمان جوانان زرتشتی دبیرستان کیخسروی - انجمنهای زرتشتیان شهر و دهات و تعمیرات آدریان قریه مبارکه و دیوار کشی آرامگاه یزد (۱۰) کرمان - کمک به بودجه ساختمان دخترانه کیخسرو شاهرخ - انجمن زرتشتیان و آموزشگاه ها و دانشجویان کرمانی مقیم تهران (۱۱) شیراز - کمک به بودجه انجمن زرتشتیان - باغ وقفی زرتشتیان (۱۲) - تهران - کمک به صندوق رفاه مسجد تهران پارس واقع در فلکه دوم (۱۳) در بمهرارباب رستم گیو در آمریکا در ۱۵ کیلومتری شمال غرب نیویورک در نیواشل بر زمین مشجر بزرگی در ساختمان پیش چهار طبقه (۱۴) در بمهر مهربان گیو بنا مگانه برای در زاده جوان ناکامش مهربان در کانا داگشا ۱۵ آذر ۱۳۵۷ خ. (۱۵) ابتیاع زمین وسیعی در شیکاگو آمریکا برای ساختمان پرستشگاه زرتشتیان ؛ ناگفته نماند که بهر سازمان اجتماعی که دارای هدف نیک انسانی بوده اند مستمرا "از کمک های بنیاد برخوردار می باشند هم انندانجمنهای زرتشتیان در تهران و دیگر شهرها - سازمان فروهر جوانان زرتشتی تهران - کانون دانشجویان تهران - کمک به بودجه آرامگاه های زرتشتیان در تهران (قصر فیروزه) اصفهان و شیراز و یزد و در مواقع اضطراری کمک به زلزله زدگان و آسیب دیدگان کشور توسط مقامات روحانی و حلال احمر و انجمن مبارزه با سرطان و همچنین کمک نقدی به موسسات ورزشی و تربیست بدنی کشور: افزون بر آن بسیاری از موسسات خیریه و اجتماعی از کمکهای بنیاد دروان شادارباب رستم گیو برخوردار گشته اند که ما از آن بی خبریم زیرا آن روانشاد از تظا هر

و خودنمایی بی‌زار و خصلتا" از فخر فروشی نفرت داشت از این جهت اقلامی که در باب لایر شمرده شد امکاناً کامل نمی‌باشد ولی همین اقلام گویای آنست که آثار نیک و بناها و خیریه‌ها را با برستم در سرا سر کشور گسترده و در همه جا و همه حال مجسم است .

\* \* \* \* \*

دکتر اسفندیاریگانگی : حسینی‌داورد زندگی نامها و چنین آورده است " بسال ۱۲۸۷ شمسی در یزد میان خاندانی مومن بآیین زرتشتی فرزندی زاده شد که نامش را اسفندیار نهادند . پدرش روانشا دبیرا مادرش شیرگانگی و مادرش شادروان مروارید بود .



این خاندان اصیل ایرانی بیش از هر موردی وابسته بآیین زرتشتی بودند ، آیینی که هزاران سال حفظ وصیانت شده بود و شادروان دکتر اسفندیاریگانگی همیشه تاکید در این مسئله داشت .

"در سال ۱۹۲۴ میلادی در آمریکا فارغ التحصیل شد و موفق با خذ درجه دکترا گشت . شور میهن و خانواده موجب شد تا با ایران برگردد . در اوایل جنگ با جدیت و کوشائی اقدام بتهیه وسایل و ادوات حفرا عمیق کرد . کلیه لوازم لازم را برای حفرا چاه ببهتر شیوه ای فراهم آورد . در خرداد سال ۱۳۲۳ نخستین چاه عمیق در ایران بهمت دکتر اسفندیاریگانگی حفرا شد . طی مدت ۲۷ سال از آغاز فعالیت این راه مردان دست رفته متجازا از ۲۵۰۰ چاه عمیق وقابل

بهره برداری در سرا سر ایران بزرگ بهمت توانای وی زده شد که زمینها و کشتزارهای فراوانی را سیراب میسازد . با مطالعات دقیق و تجربیات عمیقی که در شرح فرها را حلقه چاه ژرف در کشور پهنای ایران بدست آورده بود ، چنان در رشته زمین شناسی و قشرهای اراضی و میزان آبدهی آنها مسلط شده بود که گاهی اوقات مهندسین مجرب خارجا و دکتر در رشته زمین شناسی میشناختند و هیچگاه تصور نمیکردند که او دانشمند و استاد علم اقتصاد است .

"فعالیت سیاسی دکتر اسفندیاریگانگی از دوره بیستم مجلس شورای ملی شروع شد. تا آن هنگام آقا یرستم گیوآ را دمردنیکوکارا زسوی زرتشتیان سمت نمایندگی داشت. اما چون بفرمانشاهنشاهبسمت سنا توری برگزیده شد. جماعت ما شایسته ترولایقتروسزاوارتر از دکتر اسفندیاریگانگی کسی را نشان نداشت و با آرائی بسیار قابل ملاحظه در دوره نوزدهم بسمت نمایندگی بمجلس راه یافت. در انتخابات مجلسین شورای ملی وسومین مجلس موسسان سال ۱۳۴۵ شمسی روانشاهدکتر یگانگی با اکثریت قریب با تفاق در هر دو مورد بسمت نماینده زرتشتیان برگزیده میشوند."

دکتر اسفندیاریگانگی در روز دبیآ در ۲ مهر ۱۳۵۱ گرنیویورک اینجهان را بهشت و روانش بسوی خلدبرین وگروثمانهما خاره پرواز کرد. ما بروان پرگشای گرزمان نشین دکتر اسفندیاریگانگی درود میفرستیم ما افتخارنا مش را در نسلهای زنده نگا هداشته و همواره بدان مباحی میباشیم روز چهاردهم مهر ماه ۱۳۵۱، در جلسه شصت و ششم آقای عبداللهریاضی رئیس مجلس شورای ملی درگذشت شاه روان دکتر یگانگی را اعلام و چنین بیاناتی ایراد کردند "بطوریکه نمایندگان محترم اطلاع پیدا کرده اند در خلال آخرین روزهای تعطیلات تابستانی مجلس شورای ملی، یکی از گرامیترین و عزیزترین همکاران ما داعی حق را لبیک گفت و بسرای جاودانی شتافت. شاد روان دکتر اسفندیاریگانگی از خاندانهای نیکنام و سرشناس و از خدمتگزاران صمیمی و صدیق کشور و مورد احترام و اعتماد فراوان مردم بود. او مردی فوق العاده خلیق و مهربان و خیر و نیکو کار و دارای صفات حمیده انسانی بتمام معنی آراسته و با فضل و تقوی و شخصی بود که سالها با ید بگذرد تا ما در گیتی چون او فرزند یزاید (صحیح است) فقید سعید در راه خدمت بخلق و خصوصاً در راه عمران و آبادی کشور عشق میورزید و در طول ۶۴ سال عمر خود خدمات مهمی با بین سرزمین نمود که آشاید شمربخشان سالیان در آن نقاط مختلف مملکت باقی و برقرار خواهد بود. دکتر اسفندیاریگانگی تحصیلات عالی خود را در رشته اقتصاد در آمریکا بپایان رسانیده و در این رشته صاحب نظر و دارای تالیفات ارزنده نیز بود. وی چهار دوره متوالی از دوره بیستم تا دوره جاری از طرف زرتشتیان بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و در تمام مدت نمایندگی خویش با کوشش و جدیت و پشت کار فراوان و در نهایت صفا و صداقت و وظیفه ملی خود را ایفا میکرد و بهمیهنانوهمکیشان خود خدمت مینمود (صحیح است) ضایعه درگذشت آن همکاریکه اکنون جای او در میان ما خالی است موجب تاثر و تاسف شدید و عمیق همه ما است و هیچگاه یاد آن دوست از دست رفته از خاطر همکارانش محو نخواهد گردید. اینک با قلبی اندوهناک این ضایعه اسفانگیز را بتمام دوستان و همکاران و با زماندگانو خصوصاً همسر و فرزندان آن جنت مکارنهمیما نه تسلیت گفته و بروان پاکش درود میفرستیم و در حال قیامیکه دقیقه سکوت اعلام میکنم" (احسن است) در این موقع حضار در حال قیامیکه دقیقه سکوت نمودند.

"دکتر اسفندیاریگانگی موسس روش نوین بهره برداری از آبهای زیرزمینی، تشویق کننده هنرمندان، بانینا یبا شکوه در مانگاه یگانگی و موسس بزرگ کنکاش یگانگی تربیت کننده مهندسان عالیمقامبرای کشور و راهنمای خیر اندیشی برای جامعه های بشری بود."

با همگان رؤف و مهربان و در سیمای فرشته خویش موجی از ابهت و صلابت جلوه‌گری میکرد. مهربان پدری که در همه حال نوازشگردل‌های خسته‌یتیمان و بینوایان بود و بیان محبت آمیزش، مرهمی بر زخم‌جا نخراش مستمندان، استاد گرانقدری که برای یاران و دوستان نزدیکش راهنمای خیراندیشی بود و برای جامعه خودنیکو و میرو روشن بین. هیچگاه کینه و کدورتی حتی از دشمنانش در دل نمیگرفت و بدانندیشان را چنان با خلق نیکو و گذشت و پرده‌پوشی متناسبه میساخت که برای همیشه‌شنا خوانش میشدند. رادمردی بود که وضع و شریف، توانگر، بیچاره، غنی و فقیر، بزرگ و کوچک، استاد کرسی دانشگاه و دانشجوی دانشکده را هرکدام بفرما و شخصیتشان احترام میکرد و با هر یک بشیوه‌ای انسان منشانه سخن میگفت. چنان با کارگران و وزیران دستان فروتنی میکرد و بدر دلدل آنها میرسید که همه زحمتکشانشان او را پدر خود میپنداشتند. جماعت زرتشتی، یک یار مهربان، یک خیرخواه بیدریغ، یک رهبر و آموزگار، یک مردم‌دوست و زیر دست نواز، یک دانشمند، یک هنردوست و یک پدر و زعیم را از دست داد.

دکتر اسفندیاری گانگی در ضمن یکی از سخنرانیهای خویش چنین گفت لازم است که افراد زرتشتی با آنچه که دارند افتخار و مباهات نکنند. با دقت در فراگیری فلسفه و فرهنگ دینی بکوشند و بدین وسیله‌ها برای وجود نمایند. من بسهم خود در این راه تا جایی که نیرو داشته‌ام، کوتاهی نکرده و در پیشبرد این هدف کوشیده‌ام. این آرزوی من است که همه افراد زرتشتی چنین باشند و با شهادت و سربلندی در شناساندن فلسفه و فرهنگ دینی بکوشند. این زشت است و مایه کمال تا سفاک ما زرتشتیان که نگاهبانان و حارسان فرهنگ نووزنده‌کننده‌آیین و رسوم و سنن باستانی و حافظ ایدئولوژی جهانگیر باستان بودیم، در خانه خودمان از این دانشها بیگانه بوده و در مورد آنها چیزی ندانیم یا بعنوان اقلیت در سرزمین و خانه خودنا می‌ده شویم. در حقیقت عیب و کوتاهی از خود ماست و این عقیده شخصی ماست. چون زمان، همه آن تعصبات و کجرویهای دیرین را از بین برده و عصر ما عصر کار و کوشش و تجلی حقایق است. اینک امکانات برای شناختن و شناساندن بسیار است و هرگاه در این مورد کوتاهی شود، خیانتی غیر قابل گذشت و جبران خواهد بود.

\* \* \* \* \*

روانشناسی دهر مزدیارتی را ندان زارش : مرد خود ساخته و بیگفته دکتر خطیبی مدیر عامل شیروخورشید سرخ ایران میزان کمک آن روانشاد بشیر و خورشید سرخ ایران از سرزده ملیون تومان میگذرد. افزون بر این در زیر فهرستی از کارهای خیرا و بنظر میرسد:

- ۱- تاسیس استودیوم فرحنا زیهلوی در زمینی بمساحت ۱۸۰۰۰ متر مربع با احداث ساختمان در حدود هشتاد ملیون ریال،
- ۲- واگذاری هفتاد هزار متر مربع زمین به تربیت بدنی،
- ۳- واگذاری پنجاه هزار متر مربع زمین برای درمانگاه روئین تن با یک

ملیون تومان نقد برای ساختن، ۴- دبیرستان پسرانه آرش واگذاری بانجمن زرتشتیان تهران چهارمتر مربع زمین با ساختمان، ۵- دبیرستان دخترانه آگاهی واگذاری بانجمن زرتشتیان تهران ۲۴۰۰ مترمربع با ساختمان، ۶- واگذاری ده هزار متر مربع زمین بشهربانی برای احداث خانه برای افسران شهربانی، ۷- سه هزار مترمربع زمین برای مسجد جامع درخیابان بهارباکمک پولی، ۸- سه هزار مترمربع زمین برای دبستان دخترانه و پسرانه درخیابان بهار، ۹- نودوپنجاه هزار مترمربع زمین واگذاری به جمعیت شیروخورشید سرخ برای احداث اداره مرکزی و انبار دارو، ۱۰- بنیادخیریه هر مزد آرش، آن رانشا دبرای تاسیس این بنیادشش قطعه زمین بمساحت نزدیک به یکصدوپانزده هزار مترمربع زمین بهانجمن زرتشتیان تهران واگذار نمودند و طبق شرایط واگذاری (صلحنامه) اجازهدادنکده سه قطعه زمین بمساحت ۳۵ هزار مترمربع فروش رسد و وجوه حاصل از آن خمیرمایه تا سیساتی که مورد نظر است بشود. طبق اساسنامه بنیاد درهشتاد هزار مترمربع باقیمانده با توجه به اولویت این تا سیسات زیر برقرار خواهد شد:

۱- ساختمان باشگاه - سالن پذیرائی برای مراسم سدره پوشی و عروسی و مهمانی و تالار سخنرانی و استخر شنا و کتابخانه و زمینهای ورزش، ۲- خانه های برای سکونت محصلین بی بضاعت زرتشتی که در دانشگاه و مدارس عالی تحصیل مینمایند، ۳- خانه های برای اقامت موقت زرتشتیان مسافر که از خارج بتهران وارد میشوند، ۴- خانه های برای پیرزنان بیوه بی بضاعت و مستمند زرتشتی، ۵- خانه های برای سکونت افراد بی بضاعت و کمبضاعت زرتشتی، ۷- مستغلاتی برای تحصیل در آمد بنیاد مذکور. موسسات مزبور بتدریج و با رعایت اولویت ایجاد میشود. برابر با اساسنامه اداره بنیاد به هیئتی مرکب از هفت نفر و آگذاشته باین شرح، ۱- آقای تهمتن آرش مادام العمر، ۲- بانو گردآفرید تهمتن مادام العمر، ۳- سه نفر از افراد زرتشتی با انتخاب آقای تهمتن آرش، ۴- رئیس انجمن زرتشتیان تهران، ۵- یک نفر نماینده انجمن زرتشتیان تهران، پس از آقای تهمتن آرش پنج نفر اولیها هم انجمن زرتشتیان انتخاب خواهد کرد. انهایه انجمن باید حتی المقدور یک نفر از بین اولادان ذکور و ناث آقای تهمتن آرش نسل "بعدنسل" انتخاب نماید.

ناگفته نماند که فرزند برومندش تهمتن نیز در بذل و بخشش و کمک به بینوایان دست و دل گشاده دارد و از قرار مسموع در تلاش است مرکز بزرگی برای زرتشتیان در لوس آنجلس آمریکا بنیاد دهد.

\* \* \* \* \*

کارنامه فرزندان استاد کیومرث را در فرزندان زرتشتی ص ۵۸۱ داده ایم، ولی چون آقای خسرو خدا مراد کی فریادداشتی که آن روانشا دبخط خود در دفتر یادداشت ثبت کرده است برای ما فرستاد و حاوی مطالبی است از اوضاع فرهنگی یکصدسال گذشته ی ما،

آنرا عیناً " در اینجا میآوریم .

یا دداشت تذکره فقیرکیومرس وفادا را ردشیرمهربان جمشیدخرمشاهی

"پدرپدرم اردشیرتاجرشیرازوا زحیث علوم وفضایل ازطرف علمای شیراز، اردشیر آخوندخطاب میشده است و درزلزله بزرگ شیراز غرق و مرحوم شده است . سرمایه او را عمویم خسرو نامتناما " نقد کرده بهندآ مده در دستگاه نظام حیدرآباد را ای مقامی شده با خانواد (خوانا نیست) مربوط بوده است . در عنفوان شباب درچا درگات حیدرآباد مرحوم شده است ترکات او را عموی دیگرم خورسندنام ازایران رفته ضبط و درهرکجا به نزولی سپرده همه بیور شکستگی تجاراز میان رفته است و خورده دیگر درآ خرین دفعه درتجارتخانه مرحوم دادا بهائی کامه بود که بنده بوکالت پسر وزن عمویم خورسندنا ز ترستیان (امنا) مرحوم دادا بهائی کامه گرفته با ایشان دادم . پدر بنده برا در کوچک وازما در دیگر بوده وازا رثیه پدرم مرحوم و فقیر و ناتوان مانده در حالیکه بنده شش ساله بودم ما درم در ۱۲۳۸ یزدگردی دروبائی بزرگ قبل از قحطی آخری ایران درگذشت . پدرم جز چهار طفل صغیر ویتیم و مبلغی قرض چیزی نداشت . مراد در شهر بخانواده بزرگی که خانواده کلانتر زرتشتیان بود سپرد . مرحومه ما در دینیار کلانتر که امین الفارسیان حالیه باشند ، مرا چون فرزند خود توجه نمود و نزد معلمین آن زمان که خانگی معلمی میکردند سپرد و تحصیل میکردم تا ۱۲ ساله شدم . خوشبختانه از طهران از مدرسه بردینگ سکول سال گردم مرحوم جمشید جی پتیت که مرحوم ما نکجی لیمجی هوشنگ هاتریا برپا کرده بود تحصیل کرده شاگردی ، به یزدآ مدوآن استا دجوانمرد شیر مرد حالیه هستند . در یزد از خود مدرسه دایر نمود . پدرم بنده را نزد استا دجوانمرد به تحصیل سپرد تا دو سال آنجا تحصیل کرده چهارده ساله شدم . همیشه ذوق داشتم به برادران و رفقای خود هر چهار خودیا دگرفته ام بیا موزانم . صبح و عصر و شبانه رفقای خود را درسی که خود خواننده بودم یا میدادم . در ۱۵ سالگی بتفت رفته از خود مکتبی با زکردم و تا دو سال هم آنجا خانگی معلم بودم . چون امر معاشم نمیگذشت و پدرم مقروض بود ، شوقم به بمبئی کشید و با برادرم که سفری بهندآ مده بود بهندآ مدم خیلی مایل بودم تحصیل کنم . قرض پدر و ایران بیامدم میآمد و ادای قروض را فرض ذمه خود دانستم و تحصیل زبان را هم منحصر بآ میزش با پارسیان دانستم و خوشبختانه تا دو سال در خانه مرحوم دادا بهائی واریه در گرانرود بنوکری پرداخته پیش خود بسیر کتب پارسی میپرداختم . بعد از دو سال نوکری در کرلواری دکان کوچکی برداشته سه سال دکان داری کرده بعد از پنج سال توقف بمبئی عازم ایران شده پدر و کسان را دیدن نمودم و بمجرد ورود چون شاگردان مدرسه خانگی استا دجوانمرد زیاد بود بنده را بزیردستی خود معلم نمودند هم خودم تحصیل میکردم و هم بشاگردان مبتدی درس میدادم . بعد از یکسال استا دجوانمرد معلم بزرگ چون امر معاشش در معلمی نمیگذشت در اداره تجارتی ارباب اردشیر مهربان به بمبئی آمدند و کلیه مدرسه خود به بنده سپردند و تازه مرحوم ما ستر خدا بخش بهرام رئیس از طرف فندزند مرحوم کامه جی معلم زند شده بودند و



نزدایشان هم تحصیلی درپاریسی میکردم. بعد از ایشان بنده یکسال آن مدرسه را شصت و یکم معلم بودم. چون آن مدرسه در شهر بود و منحصر بآنجا و پولی بود و بنده در ده و میل داشتم برادران و وطنم هم تحصیل کنند و ضمناً "آبله کوبی آنوقت در یزد داده و جمعیت تلف میشدند با میدا اینکه از طرف انجمن اصلاح حالات زرتشتیان ایران در ایران مکاتب مجانی و عمومی دایر شود بیهند آمدم و با تصویب و تقویت مرحوم مانگی لیمجی هوشنگ هاتریا و اقدام مرحوم ارباب کیخسرو مهربان و کوششهای مرحوم مغفور اردشیر سهرابجی دستور کار مدین و رای مرحوم مغفور سردین شاهجی با روئت اول و اکابر صاحبان اعضاء محترم انجمن اینجا تعلق بدایر کردن مدارس مجانی در ایران و بنده آبله کوبی گاو را هم در اینجا بموجب سرتی فیکت تحصیل کرده بنده را در بمبئی ما مورب مدرسه خرمشاه نمودند و به یزد رفتیم و اکابر صاحبان از ارباب اردشیر خواهش مرخصی استاد جوانمرد و با ما ستر خدا بخش معلمی مدرسه ارباب کیخسرو مهربان نمودند و چنان شد که تا حالا هم هستند. بنده از ۲۱ مارچ ۱۸۸۸ ما مورب معلمی شد و در بمبئی هم آنوقت بموجب نمونه رقعہ که هست در آتش ورهرا م داده شد و شیت انجمنی از ایرانیان کردم و هر کس بفراخور حال وجهی اعانه دادند و خورده های تسلیم فنند شد و خورده کتاب درسیه خرید و با ایران رفت و در مدرسه خرمشاه معلم بود و اطفال خرمشاه و خیرآباد و اهرستان نزد بنده تحصیل میکردند و حالا در بمبئی شاگردان بنده جمعی هستند و بیشتر هم بنده بر این بود که دهاتیان تحصیل کرده داخل تجارت شوند و بیش از پنجاه نفر شاگردانم نزد تجار اجیر شدند و چند نفرشان حال در ایران مختصر تجارت شخصی دارند. بدبختانه این او خرمشاه تجارت زرتشتیان ایران سکت بزرگی وارد آمد و گماشتگان بیکار شدند و بعضی به بمبئی آمده اند، بنده با مرحوم مانگی لیمجی هوشنگ هاتریا رابطه مخصوصی داشت و طرف توجه آن مرحوم واقع بود. با مرحوم کیخسرو جی خانما حب وکیل ثانی انجمن اکابر صاحبان در هر کار طرف مشورت و رهنمائی بود و انجمن ناصری زرتشتیان یزد را که دایر است برهنمائی و دلایل و اصرا بر بنده برپا نمودند. با جناب اردشیر جی صاحب وکیل حالیه فرما نبرداری داشته در خدمت ایشان اغلب اوقات بوده است و سه سفر در طرف این مدت بطهران رفته در خدمت ایشان در همین اداره خیرا تیه خدمت نموده است و تخفیف مراعی (مالیات چارپایان از مردم حومه یزد می گرفتند) در سفر دوم بنده حاصل شد در یزد سمت ریپورت نویسی انجمن محترم ناصری و آمد و شد بدرب خانه شرع و عرف داشته در خدمت و دلسوزی قوم حتی القوه کوشش و اقدام داشته است که زرتشتیان چهار محصل در بمبئی که نزدیک به بنده بوده اند میتوانند تصدیق آنرا بدهند.

در صفحه دیگر صورت فعالیت انجمن داده خود را چنین آورده. "پرستار جلو حکومت (زرتشتیان هنگام ورود حکومت میبایستی جلو و برقصد و دهل بزنند) ساز و گشت جلو مرده، مهرگان و شرابخوری و افتضاحات روز و رهام، آبله کوبی، اقدام و ایجا دمعارف

ومدارس مدرسه کیخسروی و خرمشاه، نطق و وعظ، مراعی، عضویت بلدیہ طهران، الفت با اروپائی و ایجا ددوا خانہ مرسلین در خرمشاه، آب انبار مرحوم مغفور حاجی علی اکبر در خرمشاه، مجذوب ساختن علما و اعیان و اشراف، دفتر داری انجمن ناصری، ایجا دانجمن ناصری، انجمن پرهنمای زرتشتیان، دادگاہ چم، معلمی، نمایندگی ملل متبوعه و دارالشورای ایران، جشن مهرگان.

استاد کیومرث در صفحه دیگر دفتر یادداشت خویش آثار زرتشتیان یزد را بسال ۱۲۸۲ی چنین یادداشت نموده.

|     |        |     |       |     |      |     |       |     |        |           |
|-----|--------|-----|-------|-----|------|-----|-------|-----|--------|-----------|
| ۳۴۴ | خانوار | ۳۰۱ | مردان | ۴۴۶ | زنان | ۴۸۳ | پسران | ۳۸۵ | دختران | خلفا علی  |
| ۱۱۴ | خانوار | ۱۳۸ | مردان | ۱۳۵ | زنان | ۱۴۵ | پسران | ۱۵۵ | دختران | نرسی آباد |
| ۲۴  | خانوار | ۳۶  | مردان | ۳۶  | زنان | ۲۱  | پسران | ۲۸  | دختران | کسنویه    |
| ۲۰  | خانوار | ۱۷  | مردان | ۲۱  | زنان | ۲۶  | پسران | ۱۷  | دختران | نصرت آباد |
| ۲۲  | خانوار | ۱۸  | مردان | ۲۲  | زنان | ۳۲  | پسران | ۳۲  | دختران | علی آباد  |
| ۸   | خانوار | ۸   | مردان | ۹   | زنان | ۱۴  | پسران | ۱۵  | دختران | کریم آباد |
| ۲۰  | خانوار | ۲۰  | مردان | ۲۰  | زنان | ۳۰  | پسران | ۲۹  | دختران | مهدی آباد |
| ۶۸  | خانوار | ۷۵  | مردان | ۱۰۳ | زنان | ۸۶  | پسران | ۸۴  | دختران | حسن آباد  |
| ۶۵  | خانوار | ۷۱  | مردان | ۱۰۲ | زنان | ۱۲۵ | پسران | ۷۲  | دختران | قطب آباد  |
| ۱۳۹ | خانوار | ۱۰۴ | مردان | ۱۶۹ | زنان | ۱۶۶ | پسران | ۱۱۸ | دختران | شرف آباد  |
| ۳۸  | خانوار | ۳۷  | مردان | ۴۳  | زنان | ۶۰  | پسران | ۴۴  | دختران | اردکان    |
| ۱۱۳ | خانوار | ۹۰  | مردان | ۱۲۴ | زنان | ۱۰۹ | پسران | ۹۲  | دختران | کوچه بیک  |
| ۵۷  | خانوار | ۶۷  | مردان | ۸۳  | زنان | ۸۸  | پسران | ۷۶  | دختران | خرم شاه   |
| ۱۹  | خانوار | ۱۲  | مردان | ۱۸  | زنان | ۹   | پسران | ۱۷  | دختران | مبارکه    |
| ۴   | خانوار | ۴   | مردان | ۵   | زنان | ۸   | پسران | ۳   | دختران | تفت       |

جمعیت ۱۵ محل یزد یک هزار و پنج خانوار و نهصد و نود و هشت مرد و یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار زن و یک هزار و صد و دو و پسترویک هزار و صد و هفتاد و هفت دختر جملتاً "همه چهار هزار و نهصد و سی و یک میباشند.

در صورتیکه کیخسروی خان صاحب در سال ۱۲۶۱ی تهیه نموده و در فرزنانگان زرتشتی صفحه ۱۵ آمده است علی آباد و کریم آباد و خلیل آباد و مهدی آباد در ستاق را نداده است. در ضمن آثار استاد کیومرث فاقد آثار مریاباد، اهرستان، مزرعه کلانتر، اله آباد، زین آباد، رحمت آباد، خیر آباد، جعفر آباد، آبشاهی و مزرعه صدری میباشند.

استاد کیومرث آمارمدارس زرتشتیان و شمارهدانش آموزان و چندکلاس و شماره آموزگاران و حقوق سالیانها را به رویه هندکها ازاکا برما حبان میرسیده بدینطریق داده است .

|  |   |
|--|---|
| دبستان کیخسروی درمحل ۴ معلم ۱۲۰ شاگرد ۷درجه فارسی ۷درجه انگلیسی حقوق ۹۲۰ روپیه | دبستان خرمشاه ۲ معلم ۵۵ شاگرد ۵درجه فارسی حقوق ۷۷۰ روپیه      |
| دبستان کوچه بیک ۱ معلم ۴۴ شاگرد ۵درجه فارسی حقوق ۳۷۰ روپیه                     | دبستان نرسی آباد ۱ معلم ۵۸ شاگرد ۵درجه فارسی حقوق ۳۰۰ روپیه   |
| دبستان مریاباد ۱ معلم ۴۱ شاگرد ۴درجه فارسی حقوق ۲۰۰ روپیه                      | دبستان اهرستان ۱ معلم ۲۷ شاگرد ۴درجه فارسی حقوق ۳۰۰ روپیه     |
| دبستان قاسم آباد ۱ معلم ۴۵ شاگرد ۶درجه فارسی حقوق ۱۶۰ روپیه                    | دبستان خیرآباد ۱ معلم ۱۸ شاگرد ۳درجه فارسی حقوق ۱۲۰ روپیه     |
| دبستان مبارکه ۱ معلم ۳۵ شاگرد ۵درجه فارسی حقوق ۱۶۰ روپیه                       | دبستان تفت ۱ معلم ۵۷ شاگرد ۶درجه فارسی حقوق ۲۴۰ روپیه         |
| دبستان اله آباد ۱ معلم ۲۷ شاگرد ۲درجه فارسی حقوق ۶۰ روپیه                      | دبستان مزرعه کلانتر ۱ معلم ۴۰ شاگرد ۳درجه فارسی حقوق ۶۰ روپیه |
| دبستان شرف آباد ۱ معلم ۴۱ شاگرد ۶درجه فارسی حقوق ۱۰۰ روپیه                     | دبستان رحمت آباد ۱ معلم ۱۵ شاگرد ۲درجه فارسی حقوق ۱۶۰ روپیه   |

آقای فریدون فلفلی : فرزند رستم جمشید خدا رحمجا ویدنرسی آبادی بنیانگذار کار خانات صنعتی سینتا با حدود ۱۵۰۰ نفر کارگر و کارمندان در سال ۱۳۰۱ شمسی در حومه یزد ا زپدرو



ما دریکشا و رزبنا مرستم و گوهرها هلنرسی آباد یزد با بعرضه وجود گذاشت پس ازاینکه دوران کودکی را پشت سر نهاد تحصیلات ابتدائی را در اهرستان یزد و متوسطه را در شهر یزد با موفقیت بپایان رسانید . وی در هنگام تحصیل به کارزار عت هم مشغول بود و تحت نظر پدر بزرگوار خود مرحوم رستم در احیای زمینهای با یرکوشش میکرد و با وجود داشتن تکالیف مدرسه و موقعیت آن زمان از لحاظ عدم وسایل مدرن کشا و رزی و غیره باغات تحت نظر آنها همیشه ز نظر کشت و برداشت مورد تحسین سایرین بود اما بتدریج که میاه قنات اهرستان (حومه ای که آن موقع محل اقامت آنها بود) کاهش یافت و در نتیجه مخارج

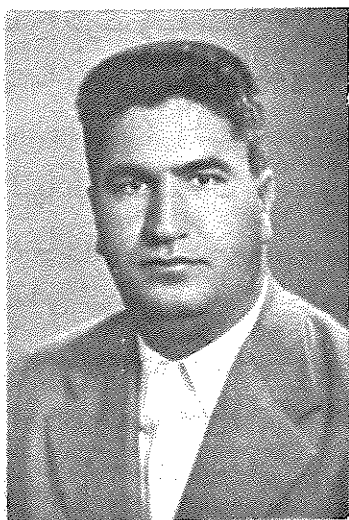
کافی برای خانواده تا مین نمیشد هما نند بسیاری دیگر از همکیشان را هی سفر شد ، سفری دور و دراز آری وی از طریق زاهدان و کویته با هزاران اشکال بسوی بمبئی حرکت کرد پس از رسیدن بدیا غربت میل داشت برای تکمیل تحصیلات خود و بخصوص زبان انگلیسی اقدام کند ولی چون مخارج و هزینه زندگی هر شخص هر کجا که باشد با بیستی تا مین گردد

قدم اول را برای درآمد خود برداشت و آن گرفتن کار در یک رستوران بود ولی زیاد طول نکشید که محل کار خود را مطابق سلیقه خود دید و احیاناً "آینده نگری وی باعث شد که کار دیگری برای خود دست و پا کند تا هم به تحصیل بپردازد و هم بتواند فعالیت بیشتری در شغل احتمالی خود بنماید لذا از مدیر رستوران مربوطه معذرت خواست و به جستجوی شغل دیگری برآمد. چند روزی نگذشت که یکی از تجار ایرانی که آن زمان معروف بود و آقای فلفلی را خوب میشناخت او را به همکاری دعوت کرد و روز بعد وی مشغول کار شد و نیز ضمن کار فعالیت به امر فراگیری و تکمیل زبان انگلیسی پرداخت آقای فلفلی آن موقع جوانی بود بیست و چند ساله و بسیار فعال و خوش برخورد و قابل اطمینان. چند سال بدین منوال گذشت و پس از اینکه وضع تجارتخانه را با پشتکار عجیب خود رونق بخشید و نیز تحصیلات خود را بپایان رسانید صاحب بازرگانی با و پیشنها در شراکت کرد و آقای فلفلی آنرا پذیرفت چندی هم با مشارکت یکدیگر به تجارت پرداختند تا اینکه با موافقت یکدیگر از هم جدا شده و وی خود موسسه تجاری کوچکی افتتاح و با برادرش آقای گشتا سب فلفلی که آن موقع در یزد مشغول تجارت بود شروع به کار کردند. این دو برادر بقدری دوستانه و رازکار و نیز بحدی مردم داری بودند که طرف اطمینان عده زیادی از مشتریان قرار گرفتند و خلاصه سودرسانی بدیگران باعث شد که خود نیز بهره ببرند گرچه متاسفانه طولی نکشید که آقای گشتا سب فلفلی برادرنا زنین و طرف قابل اطمینان ایشان بعلت بیماری سرطان در تهران برحمت ایزدی پیوست که در این جالزام است بروان پاک او درود بفرستم. آقای فریدون فلفلی برای چند سال به تنهایی و با کمک دوستان امور تجارتخانه را بخوبی اداره نمود و پس از آنکه پی برد که کشورش ایران هم نیا زمبرمی شخصی چون او و مثال او داده اند را ترک و به میهن بازگشت و با کمک یکی از مهندسين ایرانی سنگ بنای کارخانه پروفیل سازی را در سال ۱۳۳۹ بنانها در آن موقع درب و پنجره اکثراً از چوب و یا آهن های توپرساخته میشد. ولی این مصنوع جدید هم فرم شده و زیبا بود و هم ارزان تر ولی با وجود این سالها طول کشید تا درب و پنجره ها زها مزیت آنرا دریا بندها و لین دستگا ه پروفیل سازی را در خود کارخانه و با دست توانای کارگران ایرانی تحت نظر مهندس ایرانی ساخته شد کارخانه ای بودن نسبتاً کوچک در نزدیکی سراه آذری با چند دهه کارگروکارمندان ما بتدریج و با مدیریت صحیح کارخانه وسعت پیدا کرد و دستگا ههای دیگری ساخته شد و پس از چند سال که نیا مردم باین مصنوع چه برای ساخت درب و پنجره و چه مصنوعات فلزی دیگر بیشتر شد مدیر کارخانه آقای فلفلی برآن شد تا کارخانه را بجای فعلی با وسعت حدود یکصد و هشتاد هزار مترمربع انتقال دهد در کارخانه نجات سینتا (اهواز و تهران) در حال حاضر لوله های آب و گاز و فاضل آب و ورق های گالوانیزه جهت شیروانی و برای مصارف دیگر و حدود یکصد و چند نوع پروفیل درب و پنجره و غیره ساخته میشود آقای فلفلی حتی یک مهندس خارجی هم ندارد و تمام امور منجمله ساخت دستگا هها و ماشین آلات مورد لزوم بوسیله حدود یک هزار و پانصد کارگروکارمندان ایرانی انجام میگیرد و این خودگویای آنست که مدیریت صحیح تا چه

عدمیتواند برای کشور مفید قرار گیرد و ناگفته نماند که کارخانجات سینتا یک شرکت سهامی عام میباشند و اغلب کارگران و کارمندان و اشخاص در آن سهمینند. آقای فلّلی بسیار سخت کوش و مردم دار است و کارش را بعد عشق دوست دارد و نماند که حدود ساعت پنج صبح سرکار خود حاضر و یکسره تا نزدیکیهای شب مشغول کار است معنای دبه هیچگونه مواد مخدر حتی سیگار نبوده و زندگی را با سادگی هر چه تمامتر میگذرانند از تجملات بدور است ولی در عوض برای کارهای خیریه چه متعلق به کیش خود یعنی زرتشتی باشد و چه دولتی و برای عموم میهنان همیشه علاقمند بوده و بدون تبلیغ و سروصدا کمک کرده است مانند تعمیر و ساختن قسمتی از ساختمان جدید دبیرستان دخترانه نوشیروان دادگر در تهران - کمک به آدریان بزرگ تهران درونک - ساختن دبستان در کاشمر - کمک به دانشجویان کم درآمد - کمک به انجمن زرتشتیان برای امور خیریه - کمک به اشخاص بی بضاعت و کم درآمد. باید تذکر داد که این مقدار اطلاع نیز که بالغ بر میلیونها تومان میشود مقدار هزینه بدون اطلاع مردم میباشد. این جزئی اطلاع نیز از نزدیکان او بزرگمت بدست آمده است. نگارنده از آقای خدا داد خدا بخشی و جمشید فلّلی که این خبر را دادند بسیار سپاسگزار است.

\* \* \* \* \*

روانشادگشتا سب فلّلی : فرزند درستم جمشید خدا رحم جاوید نرسی آبادی متولد ۱۳۰۲ خا زروستا زادگان زرتشتی است و در ضمن اشتغال بتحصیلات ابتدائی و متوسطه در روستای خویش و شهر یزد بوالدین خود که بکار کشاورزی مشغول بودند کمک میکرد. نوجوانی بود دوست داشتنی و پس از اتمام تحصیلات و استخدام در یکی از تجارتخانههای یزد، کمال مهارت را در رموز بازرگانی بهم رسانید که موجب شگفتی بازرگانان درجه اول گردید. پس از آن مدتی با همکاری و همیاری برادر خویش آقای فریدون که در بمبئی اقامت داشت، تجارتخانههای از خویش تشکیل داد. بواسطه پشتکار و هوشی سرشار و درستی و مردم داری و متانت و روی با زوجه خندان در اندک زمان طرفاطمینان بازرگانان و



اربابان رجوع واقع گردید و مردم را در معاملات بواسطه درستی و پاکیزگی مجذوب خویش ساخت و مورد احترام آشنایان بود. پس از مدتی شعبه تجارتخانه را در تهران گشود و

مراجعان بیشمار خود را بیشتر خشنود ساخت. مهربانی و مردم‌داری و چهره‌خندان اوفقط برای پیشرفت امور بازرگانی نبود، اصولاً شخصی بود بی‌ریا و دلسوز برای همه و مستمندان بدون تبعیض و پاپی‌بندیدین زرتشتی. اما برای کارگشائی و کمک بمردم دین و مذهب برای او مسئله نبود، همه را خواهر و برادر خود تصور میکرد. غیر از کارهای تجاری، هرکس مشکلی داشت چه از لحاظ کمکهای مادی و معنوی او مشکل گشا بود. حتی بنگارنده‌ها و جودیکه‌نمیشناخت در سفر موبدایران که گرفتار قوانین ارضی بودم کمکهای شایان نمود. روانشاد در عنفوان جوانی بسن ۳۳ سالگی بسال ۱۳۳۵ خ بمرض سرطان در تهران بسر ای مینوشتا فت و کودکی خردسال بنا م‌نوجهر از خود بیا دگا ر گذاشت کسه اینک برومندگشته و امید است راه و روش پدر و عموی خویش را بکار گیرد.

\* \* \* \* \*

ارباب فریدون زرتشتی و ارباب مهربان زرتشتی فرزندان روانشاد موبد جمشید موبد کیخسرو میباشند. هر دو برادر در آمد مردانی هستند که با تفاق یکدیگر اوقات خویش را صرفاً موراجتماعی و فرهنگی اجتماع بویژه اجتماع خویش مینمایند. در نشر کتب دینی و فرهنگی برایگان بین ازانیا ن و خواستاران و کمک بنویسندگان در ابتیاع آن که هزینه بزرگی در بردارد جهدی بلیغ دارند. کارهای خیر خود را چنان با خاموشی انجام میدهند که دیگران از آن بیخبر میباشند مگر کارهای بزرگی مانند تعمیر و اداره آتش‌ورهرام یزد که ماهیانه با هزینه سوخت و حقوق موبدان و کارکنان و مدیر ماهیانه حدود دوازده هزار تومان خرج برمیدارد. بنیاد خانه زرتشتیان در اصفهان و تحویل آن بانجمن زرتشتیان اصفهان. هزینه آرا مگاه یزد با تفاق بنیاد خیریه ارباب رستم‌گیو. اهدای زمین وصل بسازمان فروهر با مبلغ دویست هزار تومان برای ساختمان آن. اهدای مبلغ معتنا بهی برای آدریان بزرگ تهران. کمکهای پراکنده بدانشمندان و نویسندگان زرتشتی و غیر زرتشتی. اداره یک کلاس دینی در شهر یزد. کمک بساختمان آرا مگاه زرتشتیان در لندن و بسا مانند آن که ما و دیگران از آن خبر نداریم. از اهورا مزدا توفیق و سلامتی آنان را خواهانیم.

\* \* \* \* \*

## موبدان موبدایران

برابر نامه‌هایی که موبدان و بهدینان ایران بزرتشتیان هندنوشته و چندی از آن را در فرزنانگان زرتشتی صفحات ۲۵۹-۲۹۵ آورده ایم، از نامه مورخه ورمزد و خرداد ماه ۸۸۰ یزد گردی چنین برمیآید که دستور مرزبان رستم‌شهران موبدان موبد ترکسا بسا دو شرفا باد بوده است. دستور بیژن ایزدیار موبدان موبد کرمان و دستور آذرگشسب ایزدیار دستور سیستان و دستور بهرام رستم‌شهران موبدان موبدان موبد خراسان بوده اند.

برابرنا مه مورخه بهمن روز و خردا دما هقدیم ۹۲۸ یزدگردی دستور نوشیروان دستور  
 ما وندا درستیم با شنده ترکا با دموبدان موبدایران بوده است . دستور ما وندا دهوشنگ  
 دستور شرفا با دو دستور بهمنیا رموبدشا ه موبدان موبدخراسان و دستور اسفندیار ردشیر  
 دستور سیستان و دستور بهمنیا ردستور یزدیار موبدان موبدکرمان بوده اند .

برابرنا مه شهریور روز و فروردینما ه ۹۹۶ یزدگردی دستور بهرام دستور اردشیر دستور  
 ما وندا دستور درستیم با شنده ترکا با دستوران دستورایران بوده است . جدش دستور ما وندا  
 دستور درستیم نیز سمت دستوران دستوری ایران را داشته است . دستور نوشیروان دستور  
 مرزبان موبدان موبدکرمان و دستور بهرمرد بهرامشا ه دستور سیستان بوده اند .

ازنا مه مورخه بهمن روز و اردیبهشتما ه ۱۰۵۵ یزدگردی پیدا است که دستور بهرام دستور  
 اردشیر همچنان سمت دستوران دستوری را داشته است . نام مه مورخه و بهرام یزد و اردیبهشت  
 ماه ۱۰۱۹ یزدگردی از کرمان دستور درستیم دستور اردشیر نوشیروان را بموبدان موبدی کرمان  
 نام میبرد . پدرش دستور اردشیر موبدی است که بنا بدعوت اکبرشا ه گورکانی هند بهندوستان  
 مسافرت و در تدوین واژه های فارسی سره در فرهنگ جهانگیری به میرجمال الدین انجو کمک  
 نموده است . (فرزانگان زرتشتی ص ۳۵۲ دیده شود .)

ازنا مه ای که بسال ۱۰۲۲ ی از یزد نوشته شده دستور ما وندا دیور دستور بهرام اردشیر  
 ما وندا درستیم سمت دستوران دستوری ایران یاد شده است . بنا براین پدرش دستور بهرام  
 بایدجهان را بدرود گفته باشد . درنا مه با لاکرد دستور بهرام دستور مهربان سورگی آمده که  
 دستور آن محل بوده است . سوراگ روستای بزرگی بوده در توران پشت یزد .  
 درنا مه ای که حدود سال ۱۰۳۷ یزدگردی از کرمان نوشته شده است دستور درستیم اردشیر  
 موبدان موبدکرمان بوده است .

اما از سال ۱۱۴۱ یزدگردی یا حدود آن شهر یزد دستور نشین میگردد و از ترکا با دوشرفا با  
 ذکر نیست . سالها پیش از آن گروه موبدان ترکا با در برابرستم و آزا روضرب و شتم ما مورا  
 وصول مالیات جزیه تا ب و توان و استقامت خود را از دست داده شصت خانوادها تفارق یکدیگر  
 اسلام میآورد و چون پیشوای زرتشتیان یا بعبارت دیگر آقا وسیدآنان بوده اند ، در اسلام  
 نیز خود را با جا مه سیدی میآریند . دستوران دستورایران در سال مذکور چنانکه ازنا مه  
 مورخه خردا در روز و آبا نما ه ۱۱۴۲ ی از سوی موبدان و کلانتری زدیگروه زرتشتیان هند بویژه  
 دستور کاوس پور دستور فریدون و بهدین دهنجی شاپور منوچهر بشماره R57 محفوظ در  
 کتابخانه خورشیدجی کا ما در بمبئی برمیآید . دستور مرزبان پور دستور هوشنگ میباشد ملا  
 فیروز پور ملاکاوس دستور دانشمندپارسی هند پیشا و در یزد بتحصیل علوم مذهبی و پهلوی و  
 اوستا و فارسی پرداخت و در روز دین روز و اردیبهشت ما هقدیم ۱۱۴۱ ی در منزل بهدین اردشیر  
 بهرام خرمشاهی کلانتر وقت زرتشتیان و حضور دستوران و موبدان و بهدینان یزد مراسم  
 نوزادی را برگزار مینماید (فرزانگان زرتشتی ص ۵۳۱ دیده شود) .

نسل برادران موبد خسرو و موبد شهریا رجمشیدبا دوپشت با ومیرسدوبهمن موبد با شنده لندن و برادرانش جها نگیروکیخسرو مقیم آمریکافرزندان موبد شهریا روموبد خسرو میباشند. دستوران دستوری ایران تا سال ۱۲۳۶ هـ ق برابر ۱۱۹۰ بیزدگردی با دستور مرزبان یا پسرش ظهرا ب بوده. اما در حدود آن سال، زمان فرمانداری شاهزاده محمد ولی میرزا فرزند فتحعلیشاه قاجار در یزد علمای اسلام بزرتشتیان نسبت کفر و زندقه میدهند و از فرماندار قتل عام یا اسلام آوردن آنها را خواستار میشوند. شاهزاده را دگر بعلمای اسلام پیشنها دمینما یدبتهتراست در خصوص دین و توحید پرسشهایی چند از زرتشتیان بشود اگر پاسخ آنها منطقی و درست است باید با ایشان ستم شود و اگر غیرا ز آن باشد بمرادشما رفتار خواهد شد. پرسشهای علمای اسلام و پاسخی که موبد کیخسرو پور موبد خدا بخش به اتفاق موبد خدا بخش پور موبد فرود و وهیربد خدا بخش پور وهیربدجا ما سب نوشیروان جا ما سب پور دستور کاوس از نژاد نوروز زنده بآن داده مورد قبول علمای اسلام و شاهزاده واقع و رفع زحمات از زرتشتیان میگردد و آن پرسش و پاسخی بنا مرساله دین مسئله بارها در پندنا مه ملا فیروز چاپ شده است. دستور کاوس پشت چهارم وهیربد خدا بخش مشا ورو همیا روموبد کیخسرو در تنظیم پاسخ به پرسشها، دستورا صفهان بوده که هنگام قتل عام زرتشتیان گبر آباد اصفهان در زمان سلطان حسین صفوی داروندا ر خود را گذاشته با آتش مقدس به یزدینا هنده میگردد.

اما بگفته یا دگار خسرونا شریپندنا مه و رساله دین مسئله چون دستور کیخسرو پاسخی درست و منطقی به پرسشهای علمای اسلام میدهد از سوی جماعت زرتشتیان با توافق همگی بسمت دستوران دستوری ایران برگزیده میشود و خوانواده دستور مرزبان هوشنگ از دستوران دستور خلع میگردد، پشت دستور کیخسرو طبق شجرنا مه ای که وهیربد خدا یا برادر دستورنا مدار موبدان موبد یزد و پور دستور شهریا ر در کتاب اندر زنا مه پهلوی تالیف و ترجمه خویش داده به دستور جا ما سب ولایتی معروف میرسد که در ۸۹۰ بیزدگردی بهندوستان و سورت سفر نمود و سه نفر از موبد زادگان آن دیار را در اوستا و پهلوی استا د ساخت و انکتیل دوپرون فرانسوی از شاگردا و بنا م دستوردا را با اوستا آموخته بفرانسه ترجمه نمود و ایران نشناسی از آن زمان آغا زگشت ما در مورد دستور جا ما سب در جای دیگر این تاریخ گفتگو کرده ایم.

نسل روانشا دموبدان موبد دستورنا مدار طبق شجرنا مه ای که فرزندش موبد اردشیر آذرگشسب بنگارنده داده اند بدین طریق به دستوران دستور کیخسرو و دستور جا ما سب ولایتی میرسد. دستوران مدار پور دستور شهریا ر پور دستورنا مدار پور دستور کیخسرو و پهلوان پاسخی دهنده پرسشهای علما و پور موبد خدا بخش پور موبد نوشیروان پور موبد رستم پور موبد مهربان پور دستور جا ما سب ولایتی پور موبد حکیم پور موبد اردشیر.

دستور جا ما سب ولایتی شجرنا مه خویش را در تاریخ کتاب خطی اوستا چنین آورده است. اندر روز فرخ را ما یزدوما ه مبارک فروردین موافق رواج ایرانیا ن و سال



یکهزار و نود و سه یزدجرد شهریاریان من دین بنده جا ما سب دستور حکیم دستورا ردشیر دستور نوشیروان دستور زرتشت دستور جا ما سب دستور شا هویر دستور بخت آفرین ولایت ایرانی ساکن دارالعباده یزد. بنا بر این شجره نامه در بعضی نوشته ها که او را کرمانی قلمداد نموده اند سهواست، ووی یزدی میباشد، (دیده شود کتاب دکترا ونوالا بنام MANUSCRIPTS BEARING ON ZOROASTRIANISM P.56)

هنگامیکه موبدکیخسرو بدستوران دستوری برگزیده میشود فرمانی مورخ صفرا المظفر ۱۲۴۰هـ از طرف دولت با حکم مستمری سالیانه بیست تومان مادمال حیات با وویس از درگذشت او و فرزندش ما در میشود. پس از دستور کیخسرو پسرش دستور نامدار بسمت موبدان موبدی میرسد. هنگام ورود ما نکجیها تریا به یزد و تشکیل پنچایت زرتشتیان در روز خرداد و فروردینماه ۱۲۲۴ی نام دستور نامدار دستور کیخسرو در صدر ناماعضای پنچایت دیده میشود و فرمانی نیز از امیر کبیر مورخ ذیحجه ۱۲۶۵هـ بدین مضمون صادر شده که موبد موبدان موبد نامدار شرف اندوز حضور پادشاهی گشته و بما مورین دستور داده شده که نسبت با ووزرتشتیان همراهی و حمایت کنند.

دستور نامدار در سال ۱۲۳۱ی در میگذرد و پسر بزرگ او دستور شهریاری با تفاق آراء عده ای از زرتشتیان بسمت دستوران دستوری برگزیده میشود و از طرف وزارت امور خارجه طبق فرمان مورخ جمادی الاخری ۱۲۸۰هـ یک شال ترمه خلیل خاننی برسم خلعت با و داده میشود و نیز بسر نشینی انجمن ناصری زرتشتیان یزد بزرگزیده میشود که بتوسط کیخسرو جی خانصاحب در روز با دایزد و شهر بیور ماه ۱۲۶۱ی زدی تاسیس میشود.

دستور شهریاری در دوران سال خوردگی بعلت درد پای شدیداً ز فعالیت بازمیماند. بنا بر این دستور تیرانداز پور موبد اردشیر را برای رسیدگی و اداره امور موبدان موبدی و ملاقات با مقامات مربوطه دولتی بجان نشینی خویش انتخاب مینماید. دستور تیرانداز در زمان خویش کارهای مهمی را با شاهان انجام داده است و با حکمران وقت یزد جلال الدوله پسر ظل السلطان روابط دوستانه داشته و طرف توجه علما نیز بوده است.

در زمان ناصرالدین شاه قاجار از طرف دولت وقت فرمان مستمری مبلغ سالیانه چهل تومان بنام موبدان موبد دستور شهریاری رد دستور نامدار صادر میگردد. پس از درگذشت او پسران او بنا مهبیر بد خدا یا رود دستور نامدار از دولت وقت تقاضا مینماید که مستمری مزبور در حق آنان پرداخته شود. بنا بر این طبق فرمان مورخ شهر رجب ۱۳۱۰هـ چهل تومان مستمری مذکور با لمنافه در حق دو برادر نامبرده در دفتر مستمریات یزد ثبت و سالیانه بآنها پرداخت میشود.

پس از دستور شهریاری پسر بزرگ او دستور نامدار بسمت موبدان موبد انتخاب میشود لیکن در سال ۱۲۸۴ی زدی با تشکیل کنکاش موبدان از سوی موبدان یزد مقام موبدان موبدی بصورت شورائی تغییر شکل مینماید.

بگفته صاحب حدود العالم مولفه قرن چهارم هجری در دههای بکتکین ترسیان و گبرگان و صابیان نشینند. ناحیت کوه قارن (در تبرستان) آبادان و بیشتر مردمانی گبرگانند. پرکرد، برکران رود مرونها ده است و او را قهندز است استوار و اندرویی گبرگانند و ایشان را به آفریدیان خوانند.

\* \* \* \* \*

تا ورنیه در سفرنا مه خود گوید "سه ماهه در کرمان ماندم. در این شهر بیش از ده هزار گبر هستند. در چهار منزلی کرمان پرستشگاه بزرگ آنان است و پیشوای بزرگ آنان در همان جای دارد. هر زرتشتی ناگزیر است در هنگام زندگی خود بآنجا برای زیارت برود!" در یادداشت دیگر که نام گوینده آن فراموش شده موقعیت پرستشگاه بزرگ را بر ذکر مینماید.

\* \* \* \* \*

### پیرشهریار

در صفحات دیگر کتاب در مورد پیرشهریار رگفتگوشده، لیکن چون گفتار دهخدا زرتشتی بودن او را تا بید مینماید با زردا اینجا میآوریم. بگفته فرهنگ دهخدا "در او را مان کردستان پیری روحانی از مغان زردشتی بوده است موسوم به پیرشهریار و بکردی پیرشالیار خوانند. از او کتابی باقیست بنا ما رفت و پیرشالیار (معرفت پیرشهریار) و نزد مردم او را مان بسیار محترم است و بدست خارجی نمیسپارند و کلماتش را در موارد بسیار بجای مثل بکار می‌بندند. این کتاب مرکب از چند بند مسجع است که ترجیع آنها این بیت است و تکرار میشود:

گوشت بروانه پیرشالیار بو هوشت جه کیا سته ذانای سیمیار بو

یعنی بگفته پیرشهریار گوش کن و بنوشته دانای سیمیار (زردشت) هوش خود را بسیار در سخنان پیرشهریار اشعارات بسیار راجع بحفظ آیین قدیم است و اهل محل در مجوس بود<sup>نش</sup> شکی ندارد و ندولی معتقدند که شخص دیگری هم با این نام بوده است در او خرقن پنجم هجری و او را پیرشهریار ثانی گویند و میگویند سلام آورده خود را مصطفی خواند و کتاب معرفت پیرشهریار را تحریف کرد و هر چه با دیانت اسلامی منافات صریح داشت برگرفت. گویند در ۸۴۲ هـ شخصی بنا مولانا گشایش به او را مان سفر کرد تا مردم آنجا را قرآن تعلیم دهد. مردمان او را گشایش کور می‌گفتند.

### خدمات فرهنگی لهراسب و زرتشتیان هند در ایران

میرزا سروش لهراسب فرزند تیرانداز مهربان لهراسب قاسم آبادی متولد ۱۲۸۳ خ در باغ جمشید آباد تهران تحصیلات خویش را در مدرسه زرتشتیان تهران و دارالفنون و کالج آمریکائی بیابان رسانیده و دیپلمه خود را در سال ۱۳۰۳ از کالج آمریکائی بدست

آورد. بنا بدستور و انشا داریا بکیخسروشا هرخ و درخواست موبدرستم صداقت ما مور مدیریت دبستان دینیا ری یزدگردید که فقط دانش آموزان موبدزاده و سپس زرتشتی را می پذیرفتند. میرزا سروش با جلب موافقت هئیت نظار که از و انشا دان رستم ما و ندا دو مهربان دستور تیراندا زوجمشید پرویز دانش آموزان مسلمان که اغلب فرزندان نروسای ادارات بودند پذیرفته شدند. سپس با جلب موافقت هئیت نظار رستم شهزادی و فیروز آذرگسب را برای ادامه تحصیل بتهران اعزام داشت و بعد برای تحصیل اوستا و پهلوی به بمبئی رهسپار میشوند.

در آن زمان دبستانهای یزدش کلاسه بود. میرزا سروش نخستین با رکلاس هفتم و هشتم را در دبستان دینیا ری تاسیس نمود. پس از اتمام دوره استخدا م در یزد دبتهران مراجعت و در آموزشگاه زرتشتیان بشغل نظامت و تدریس کلاس هفتم مشغول میگردد. پرورشگاهها را از موسسات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی در آن زمان بتازگی در یزد دادا بر شده بود و توسط مدیرانی که از هند فرستاده میشدند اداره میگشت و آنها بترتیب عبارت بودند از دکتر جمشید جی پتل، مانک ملا و منوچهر کنتراکتر. چون منوچهر کنتراکتر و خانش عازم هند بودند دینشاهی جی باهای سلیسیتر رئیس انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی بنا بروابط نزدیکی که با ارباب کیخسرو داشت و سفارش مانک ملا، ارباب کیخسرو شاهرخ میرزا سروش لهراسب را مجبور بپذیرفتن مدیریت پرورشگاه کرد. هر چه پدر روان - شادش گریه میکرد که با پای برهنه از یزد فرار کرده و بتهران مهاجرت کرده نمیخواهد پسرش به یزد برگردد در دل ارباب کیخسرو تا شیری نکرد. با وجودیکه پیشنها ده ساله مهم و آبرومند از طرف وزارت دارائی توسط میلیسپوی آمریکائی برای مترجمی و وزارت پست و تلگراف و بانک شاهنشاهی سابق برایش حاضر بود اشتغال بکار جماعتی را ترجیح و چسبون بر انگلیسی مسلط بود و پرورشگاه توسط پارسیان اداره میشد ارباب کیخسرو هم صراحت بر پذیرفتن مدیریت پرورشگاه نکردید را زدوری فرزند و مسافرتش به یزد اندوهناک گردید. پرورشگاهها را بربا بیست نفر ایتم مدرسا ختمان اجاره ای در محله سلسبیل یزد بود، و بچهها برای تحصیل نخست بدبستان خسروی سپس بدبستان کیخسروی میرفتند. چون با لباس متحدالشکل و در صف حرکت میکردند در راه مورد تحقیق و تمسخر بیگانگان بتربیت قرار میگرفتند. میرزا سروش با وجود مخالفتهای بسیار تصمیم بتاسیس دبستان پسرانه ما را را میگیرد مع هذا مردم چه زرتشتی و چه مسلمان فرزندان خود را برای تحصیل بانجا میفرستند و تعداد دانش آموزان شش کلاس بصدم نفر میرسد و کلاس هفتم و هشتم نیز دایر میگردد. چون ساختن پرورشگاه گنجایش ۳۵ نفر ایتم و هشت کلاس مدرسه و چهارطاق برای کارگاههای خیاطی، نجاری، پارچه بافی، قالی بافی و ترمه بافی که دانش آموزان موقوف تعطیل و فراغت بفرآگرفتن صنعت مشغول میشدند داشت، میرزا سروش بانجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی پیشنها دایبتیاع زمین و ساختن مستقل میدهد. انجمن پیشنها دایر می پذیرد و روانشادها را رکاربشخصه بمیرزا سروش مینویسد زمینیکه ابتیاع میشود دنیا بدکمتر